

شناسایی عوامل موثر بر دولت کارآفرین: با رویکرد آمیخته

سجاد محمدهاشم^۱، علی رضائیان^{۲*}، محمدجواد نایجی^۳، حسین وظیفه دوست^۴^۱ دانش آموخته دکترای تخصصی رشته کارآفرینی - بخش عمومی گروه کارآفرینی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (*نویسنده مسئول).^۳ گروه مدیریت کسب و کار، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.^۴ گروه بازاریابی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰

Identifying factors affecting the entrepreneurial state: a mixed approach

Sajjad Mohammadhashem¹, Ali Rezaian^{2*}, Mohammad Javad Naeiji³, Hosain Vazifedost⁴¹ Department of Entrepreneurship, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran² Department of Management, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

(*Corresponding Author).

³ Department of Business of Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.⁴ Department of Marketing, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: (29/11/2022) Accepted: (11/12/2022)

شناسه یکتا: <https://dorl.net/dor/>

Abstract

The purpose of this study is to provide a model to identify the factors affecting the entrepreneurial government. The current study is a mixed method and exploratory mixed research design. In the qualitative phase, by reviewing and evaluating the studies conducted on the subject and in-depth interviews with experts in the field of entrepreneurship and the entrepreneurial government, the necessary information was collected, and by using the grounded theory analysis method, coding and categorization were done and conceptual models were presented. The quantitative part of the study was based on the structural equation modeling method, for this purpose, the data collected from the researcher-made questionnaire based on the model derived from the qualitative phase of the study was evaluated using Lisrel software. The results of grounded theory showed that the pattern of factors affecting the entrepreneurial government includes 144 open codes, 25 central codes, and 6 selective codes. In the quantitative part, a researcher-made questionnaire consisting of 78 items was provided to 320 senior educational managers and prominent professors in the field of management. The results of structural equation modeling showed that there is a significant relationship between the main variables of contextual factors, causal factors, strategies and intervening conditions with the central category of entrepreneurial government and also between the central category of entrepreneurial government and government performance at the 95% confidence level.

Keyword

Entrepreneurial state, public sector entrepreneurship, grounded theory, structural equation modeling

چکیده

هدف از مطالعه حاضر ارائه الگویی به منظور شناسایی عوامل موثر بر دولت کارآفرین می باشد. مطالعه حاضر، به روش ترکیبی و از نوع طرح‌های تحقیق آمیخته اکتشافی می باشد. در فاز کیفی با بررسی و ارزیابی مطالعات انجام شده در زمینه موضوع و مصاحبه عمیق با از خبرگان حوزه کارآفرینی و دولت کارآفرین، اطلاعات لازم جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل گراندد تئوری، به کدگذاری و مقوله‌بندی و ارائه مدل مفهومی پرداخته شد. بخش کمی مطالعه به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری بود، بدین منظور داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مدل برآمده از فاز کیفی مطالعه با استفاده از نرم‌افزار لیزرل مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج گراندد تئوری نشان داد که الگوی عوامل موثر بر دولت کارآفرین شامل ۱۴۴ کد باز، ۲۵ کد محوری و ۶ کد انتخابی می باشد. در بخش کمی، پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر ۷۸ گویه در اختیار ۳۲۰ نفر از مدیران ارشد آموزشی و اساتید برجسته حوزه مدیریت قرار داده شد. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که بین متغیرهای اصلی عوامل زمینه‌ای، عوامل علی، راهبردها و شرایط مداخله گر با مقوله محوری دولت کارآفرین و همچنین بین مقوله محوری دولت کارآفرین و عملکرد دولت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معنی‌دار بودن وجود دارد. از نتایج این مطالعه می توان در ارتقا کارآفرینی دولت ها استفاده نمود. به صورتی که با اجرای مفاد مدل ارائه شده دولت به دولت کارآفرین تبدیل شده و از این طریق، عملکرد دولت بهبود یابد.

واژه‌های کلیدی

دولت کارآفرین، کارآفرینی بخش عمومی، گراندد تئوری، مدل‌سازی معادلات ساختاری

مقدمه

منافع رشد و بروزرسانی فناوری است. این عوامل همیشه مهم و ضروری هستند. از این رو بایست تا سیاست‌هایی اتخاذ شوند که به عوامل مذکور توجه کافی را مبذول دارند. همچنین باید موسساتی ایجاد شوند که هدف آنها دستیابی به این عوامل اثرگذار باشد. نهایتاً باید از رویکرد جستجو برای "بهترین عمل" و فرمول‌بندی آن اجتناب نمود، چرا که باعث سردرگمی می‌شود. بجای آن می‌بایست بر بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق تمرکز گردد تا موانع توسعه شناسایی شوند. در این توصیه‌ها انتخاب سیاست‌های مشخص و اصلاح موسسات نیز قابل توجه است (World Bank, 2005).

هدف از توسعه پایدار و کارآفرینی بهبود کیفیت زندگی می‌باشد. اگر الگوی توسعه مناسبی انتخاب شود بطوریکه زیرساخت آن شامل مفاهیمی همچون توسعه پایدار یا کارآفرینی باشد، در این صورت دولت کارآفرین در نقش ایجادکننده بستر و پشتیبان آن، مسیر مناسبی را برای رشد و توسعه خلق می‌نماید که رهبری و هدایت این روند توسعه بر عهده دولت خواهد بود و در صورت لزوم دولت می‌تواند در هر جایی وارد قضیه شود. اما لزوماً مفهوم رهبری در اینجا بمعنای بزرگی ابعاد دولت و یا صرف هزینه‌های غیرمعقول جهت انجام کارها از سوی دولت نیست (Rodrik, 2014).

مجموعه نهادهای مستقل که بتنهایی یا بصورت مشترک در خلق، توسعه و انتشار نوآوری نقش محوری دارند و چارچوبی فراهم می‌آورند که دولت‌ها از این طریق، سیاست‌های موثر بر فرایند نوآوری را شکل داده و پیاده‌سازی نمایند، "سیاست نوآوری" نامیده می‌شود؛ به بیان دیگر، سیاست نوآوری شامل مجموعه‌ای از عناصر مرتبط اجتماعی و سیاسی از جمله: طراحی اولویت‌های جمعی یعنی چالش‌های اجتماعی، پذیرش عمومی نوآوری، پویایی بین چندین بازیگر سیاست نوآوری، سطوح بالای عدم قطعیت و ابهام، جهل ذاتی نوآوری، تغییرات اجتماعی و پیوند بین آنها و یک محیط نهادی است. محیط نهادی، هنجارهای رسمی و غیررسمی است که چارچوب تعامل بین نهادهای سیاست نوآوری را توصیف می‌نماید (Uyarra, Ribeiro & Dale-Clough, 2019).

اما تنها اتخاذ سیاست‌های نوآوری و داشتن نوآوری در مرزهای دانش کافی نخواهد بود. دولت کارآفرین فقط نمی‌تواند در سطح ملی به ایفای نقش پردازد (هرچند اجباری وجود ندارد) و همچنین صرفاً نباید یارانه‌های بلند مدت را به شرکت‌های انتخاب‌شده جهت نوآوری پرداخت کند؛ بلکه باید از طریق کارگزاری‌ها و آزمایشگاه‌های ملی تحقیقاتی، طرح‌های نوآورانه و ایده‌های خلاق را با سرعت و بمیزان زیادی انتشار دهد. حتی

تاثیرگذاری کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، از روند توسعه اقتصادی آنها مشخص است (Sergi et al., 2019). شومپتر¹ معروف اذعان دارد که کارآفرینی، موتور محرک توسعه اقتصادی و تولید است که باعث تقویت بهره‌وری و افزایش انگیزش در سرمایه‌گذاری می‌شود؛ بطور واقع، کارآفرینی در تسریع رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی موثر است (Ziemnowicz, 1942). هنگام راه اندازی و مدیریت کسب و کارهای جدید برای ایجاد و ارائه محصولات یا خدمات نوین، روش‌های جدید در سازماندهی و اداره ساختارها و بازاریابی و همچنین شناسایی و پردازش منابع جدیدی از منابع اولیه، کارآفرینی تحت عنوان فرایند شناسایی/کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها (به شیوه‌ای که تاکنون استفاده نشده است)، نقش اصلی و محوری در رشد اقتصادی دارد (Venkataraman, 1994; Shane & Venkataraman, 2000).

منبع کلیدی نوآوری در اقتصاد، فعالیت کارآفرینانه است (Ziemnowicz, 1942). فعالیت کارآفرینی از طریق شاخص کل فعالیت‌های کارآفرینی² و فرصت و ضرورت آن بطور موثر بر رشد اقتصادی تاثیر می‌گذارد. شاخص کل فعالیت‌های کارآفرینی در طول دوره پس از بحران نسبت به دوره پیش از بحران، اثر بیشتری بر رشد اقتصادی کشورهای مختلف دارد (Urbano et al., 2019). تحقیق بزما و همکارانش نشان می‌دهد که کارآفرینی مولد به رشد اقتصادی کمک می‌کند. در این تحقیق مجموعه‌ای از عوامل کیفیت نهادی، ثبات مالی، دولت توانمند و مهارت‌های شروع کار شناخته شده است که مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های کارآفرینی مولد هستند (Bosma et al., 2018). از اینرو، نقش دولت بعنوان هسته اصلی عوامل کیفیت نهادی و دولت توانمند مورد توجه قرار می‌گیرد. بانک جهانی در سال ۱۹۹۷ گزارشی را تحت عنوان "نقش دولت در دنیای در حال دگرگونی" ارائه نمود که در این گزارش به نقش بسیار اثرگذار دولت در فرآیند توسعه کشورها اشاره شده است؛ و افزود که تنها توجه به ساختار بازار جهت درک توسعه، کافی نخواهد بود. لازم است تا عوامل مهم اثرگذار در رشد پایدار را در طول زمان، درک و کسب کرد. برای مثال برخی از این عوامل مهم شامل: کارآمدی در اختصاص منابع، گردآوری سرمایه‌های انسانی و فیزیکی، تقسیم عادلانه

1. Schumpeter

2. Total Entrepreneurial Activities (TEA)

است (Chen et al., 2018).

همچنین سیاست های فناوری بر ارتقاء توسعه و استفاده از فناوری های خاص که بعنوان اهمیت راهبردی برای کشور تلقی می شود، تمرکز دارد. بنابراین، سیاست فناوری بر این فرض استوار است که فناوری های راهبردی خاصی وجود دارد که تأثیر عمده ای بر اقتصاد و اهداف اجتماعی می گذارد و بر توسعه و پیشرفت آن فناوری ها یا اتخاذ گسترده تر آنها متمرکز است. این فناوری ها می توانند مختص یک فعالیت اقتصادی خاص یا عمومی تر باشند، مانند فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی که بعنوان "فناوری های کلی هدف" نیز شناخته می شوند. سیاست گذاری فناوری را می توان سیاست گذاری رشد با محوریت فناوری ها و بخش های متفاوت آنها دانست. در سیاست فناوری، مفاهیم جدیدی مانند تجاری سازی تحقیق، خدمات فنی مهندسی و انتشار فناوری به ادبیات ایجاد فناوری اضافه شده است. عصر سیاست فناوری آن زمان آغاز شد که رابطه بین فناوری و رشد اقتصادی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و مشخص شد چگونه بعضی از فناوری ها تأثیر بیشتری در فرایند رشد اقتصادی دارند (Chaminade and Lundvall, 2019).

درحال حاضر مولفه کلیدی در توسعه و تحول جوامع مختلف، دولت کارآفرین است. از نظر مکاتب مختلف در ادبیات پژوهشی نوآوری و فناوری، مابین نوآوری و تحقیق و توسعه و همچنین مابین رشد اقتصادی و فناوری ارتباطی وجود دارد. در واقع هدف خطامشی فناوری و نوآوری عمدتاً بر روی سرمایه گذاری در سطح ملی، صنعت و شرکت استوار است. از اینرو ضروری است تا موقعیت سرمایه گذاری خاص هر شرکت (برای مثال تحقیق و توسعه) با توجه به شرایط متفاوت بین بخش ها درک شود، چرا که این امر بر رشد اقتصادی اثرگذار خواهد بود (Freel & Robson, 2004).

بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی عوامل موثر بر دولت کار آفرین با رویکرد آمیخته است. به این ترتیب که در ابتدا با استفاده از روش نظریه پردازی داده بنیاد، عوامل موثر را شناسایی و الگوی مناسب را ارائه نماید و در ادامه با به کارگیری مدلسازی معادلات ساختاری، میزان اعتبار الگوی ارائه شده را مشخص نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری

دولت و کارآفرینی: چندین پژوهش به بررسی تأثیرات نوآوری دولت برای تقویت کارآفرینی و دسترسی شرکت های کارآفرین به تامین امور مالی پرداخته اند. دسترسی به تامین

دولت می تواند با استفاده از کارکردهای تامین، ترویج و اتخاذ قوانین بصورت سریع تری بازارها را شکل داده و توسعه فناوری را بحرکت در آورد (Dosi et al., 2021). در این رویکرد، نقش دولت برای تغییر همانند جرقه ای برای ایجاد آتش است. همچنین شناخت ماهیت جمع گرای نوآوری ماموریت گرا بمنظور درک نقشه اساسی دولت کارآفرین مخصوصاً در پذیرش خطرات موجود در سرمایه داری مدرن، مهم است. لزوم خطرپذیری دولت نباید به جذب آسان خطرات بخش خصوصی منجر شود بلکه دولت باید ریسک های غیرقابل پذیرش توسط بخش خصوصی را قبول کند و از منافع حاصل از این کار نیز بهره گیرد. کسب منافع لازم و ضروری است، چراکه در گذر زمان باعث پایداری چرخه سیستم ملی نوآوری می شود (Mazzucato, 2016).

در این راستا شواهد اخیر نشان می دهند که اقتصاد چین از مرحله افزایشی به نوآوری بنیادی در مراحل اکتشاف و بهره برداری در زنجیره های ارزش برخی بخشها، تغییر کرده است (Malik & Hu, 2019). سیستم کارآفرینانه دولت چین از دانشگاه ها و بنگاه ها پشتیبانی می کند. دانشگاه ها علم منتشر شده را تولید و شرکتها اختراع ثبت می کنند. علم منتشر شده از اصول انحصار پیروی نمی کند، در حالیکه علم ثبت اختراع از اصول انحصار پیروی می کند. در چین، هر دو مسیر مطابق با سیستم کارآفرینی دولت چین است. طراحی و تجزیه و تحلیل تحقیق بعنوان سطوح مختلف سیستم نوآوری ملی، انتقال فناوری عمودی را بهتر ارائه می دهند (Ahlstrom et al., 2018). با مشاهده نقش کارآفرینی دولت در سیستم نوآوری ملی بنظر می رسد نهادهای چینی در سطح ملی و بین المللی در توسعه اقتصادی نقش داشته اند (Malik & Hu, 2019). تحول اقتصاد جاری کشور چین، باعث ایجاد محیط منحصر به فرد سازمان یافته شده ای است که از کشورهای توسعه یافته متفاوت می باشد و بر فعالیتهای کارآفرینانه تأثیر می گذارد. تحول اقتصاد چین، توسعه کارآفرینان و شرکتهای خصوصی را بسیار آسان کرده است. بخصوص، دولت چین اخیراً نوآوری را یکی از اولویتهای اصلی برنامه توسعه اقتصادی فعلی خود یعنی سیزدهمین برنامه پنج ساله (۲۰۲۰-۲۰۲۶) دانسته است (He et al., 2018). نوآوری بعنوان یکی از اولویت های اصلی توسط دولت چین دنبال می شود. شرکت های نوآورانه چینی بویژه کارآفرینان نوآور که از برنامه های تامین مالی دولتی بهره مند می شوند مانند یارانه های تحقیق و توسعه، می توانند از این برنامه ها بعنوان یک راهبرد اصلی برای تامین مالی بیشتر از بخش خصوصی استفاده کنند. این راهبرد برای شرکت های نوآور در مناطق کمتر توسعه یافته چین مهم

دیدگاه ها)، دو گروه بازیگران را درباره دسترسی به اعتبار پوشش می دهد. از منظر بانک ها، این احتمال بررسی شده است که پس از روند غربالگری درخواست ها، پرداخت تسهیلات براساس ویژگی های قابل مشاهده شرکت های متقاضی و نوآوری های دولت برای حمایت از آنها، تأیید شود. از منظر شرکت های کارآفرین احتمال اینکه کارآفرینان متقاضی دریافت تسهیلات (وام) باشند، وجود دارد؛ زیرا آنها رد درخواست تسهیلات (وام) خود را توسط بانک بعثت حمایت دولت از نوآوری، پیش بینی نمی کنند؛ در نتیجه وام گیرندگان ناامید نیستند (Moro et al., 2020).

این تحقیقات به نظریه "اقدام و سیاست" کمک می نماید. در مرحله اول، حمایت دولت از نوآوری می تواند در موفقیت تأمین اعتبار کارآفرینی ناشی از عدم موفقیت در بازارهای مالی تأثیرگذار باشد و به موضوعات فعلی نقش دولت ها در بازارهای مالی کمک نماید. دوم، این بینش مبتنی بر اقدام دولت می تواند بطور مؤثر ریسک شرکت های کوچک، جوان، نوآور و درحال رشد را کاهش دهد تا بانک ها احتمالاً با خیال آسوده تری تأمین مالی را انجام دهند و ضمناً این بینش، سهم مهمی در گفتمان جاری حوزه مالی کارآفرینی دارد. نتایج تجربی این گفتمان نیز به سرریز شدن تأثیرات و گسترش منابع مالی و غیرمالی برای حمایت از نوآوری های انجام شده توسط دولت ها کمک می کند. سوم، یافته ها نشان می دهد که کارآفرینان باید هنگام انتخاب مکان جغرافیایی راه اندازی کسب و کار خود، حمایت های دولتی ارائه شده درخصوص نوآوری و رقابت پرداخت وام های بانکی در مناطق مختلف را در مدنظر قرار دهند. چهارم، این یافته ها می تواند راهنمایی مناسب برای سیاست گذاران در طراحی برنامه ها و سیاست های نوآوری و حمایت از کارآفرینی باشد. علاوه براینها سیاست ها و برنامه های حمایتی، اثربخش تر از مزایای مالیاتی بوده اند؛ زیرا آنها متمرکزتر، برگزیده تر و دارای نقش هشدار دهنده (سیگنالینگ) هستند (Moro et al., 2020).

بنگاه های کارآفرین بطور کلی ریسک بالایی را برای شرکای تجاری و تأمین کنندگان سرمایه بویژه بانک ها ایجاد می کنند. این ریسک بالا عمدتاً به چهار ویژگی بنگاه های کارآفرین مربوط می شود. اول، سرمایه گذاری در بنگاه های کارآفرین نسبت به سایر شرکت ها مبهم تر است (Berger and Udell, 2002)؛ زیرا بنگاه های کارآفرین توانایی محدودی برای تهیه و ارائه اسناد و مدارک مورد نیاز بانک ها دارند که ناشی از عدم قابلیت پیش بینی و تکامل نقش آنهاست. دوم، بنگاه های کارآفرین ممکن است از حیثه محدود مسئولیت پذیری جدید رنج ببرند؛ بطور معمول آنها جدید/جوان

مالی برای هر بنگاه و حتی بیشتر برای سرمایه گذاری های کارآفرینی بسیار مهم و حیاتی است (Block et al., 2011)؛ خصوصاً بنگاه هایی که با اعمال تغییرات در محصولات، خدمات و فرایندهای نوآورانه سریعاً دنبال رشد و توسعه هستند (Johnson & Lafley, 2010). اگرچه اغلب کارآفرینان (سهامداران) این بنگاه های درحال تأسیس از آشنایان، دوستان و اعضای خانواده هستند که از مراحل اولیه ایجاد سرمایه گذاری، حمایت مالی بنگاه را عهده دارند (Steiner & Teasdale, 2016). همچنین اعتبارات (بودجه اضافی تزریق شده از خارج به شرکت)، معمولاً برای تسهیل رشد سریع و پایدار از طریق سرمایه گذاری، مورد نیاز خواهد بود (Kaygusuz, 2012). اعتبارات (بودجه اضافی)، فرصت های توسعه بنگاه کارآفرین را تقویت می نماید (Zamperi Ahmad, 2011) زیرا این فرصت های ایجاد شده برای توسعه، مدیریت را قادر می سازد که راهبردهای بلندپروازانه تری را دنبال کند و اهرم های بیشتری را نسبت به شرکت های فاقد اعتبار (دسترسی به منابع تأمین مالی)، فراهم سازد (Tate, Klein-Collins & Steinberg, 2011). از دیدگاه حقوقی سهامداران، کارآفرینان می توانند از طریق سرمایه داران و فرشتگان مشاغل به تأمین امور مالی دسترسی پیدا کنند (Harrison & Mason, 2000). این منابع بطور گسترده در رسانه ها و ادبیات مالی کارآفرینی مورد بحث قرار گرفته است. با اینحال، تأمین مالی سهام تنها منبع تأمین اعتبار برای شرکت های کارآفرینی نیست. بویژه در قاره اروپا، که بانک ها تاکنون مهمترین منبع سرمایه برای کارآفرینی هستند (Revest & Sapio, 2012). براین اساس، تحقیقات در زمینه منابع تأمین مالی کارآفرینی باید روی دسترسی شرکت های کارآفرین به امور مالی و تسهیلات بانکی معطوف شود.

دو نقش برای نوآوری دولت در زمینه کارآفرینی و شرکت های کارآفرینی که دنبال دستیابی تأمین مالی و دریافت تسهیلات بانکی هستند، بیان شده است: ۱. مزایای مالیاتی؛ یعنی اقدامات مالی که به شرکت اجازه می دهد سهم بیشتری از سود خود را نسبت به سیستم مالیاتی حفظ کند و بطور معمول آن را بعنوان بخشی از تأمین مالی برای رشد و توسعه استفاده نماید و ۲. حمایت دولت؛ یعنی مساعدت مالی و ارائه وجوه با نرخ بهره پائین، ضمانت و غیره. ترسیم مطالعات اخیر کاممین^۱ و همکارانش (۲۰۱۸) در زمینه تأثیرات سرشار نوآوری های دولت، دو فرضیه را تدوین نموده است که هر کدام از فرضیات

¹ Kammin et al.,

(and Demirguc-Kunt, 2006).

حمایت دولت از برنامه های کارآفرینی نوآورانه: دولت های سراسر جهان برای مقوله نوآوری پرونق ارزش زیادی قائل هستند، زیرا انتظار دارند این نوآوری رشد اقتصادی را تحریک نماید. برای ایجاد چنین ظرفیتی و تحقق این امر، سیاستگذاران روی راه های ارتقاء کارآفرینی نوآورانه تمرکز کرده اند. سرمایه گذاری ها از طریق مدل ها و شیوه های نوین کسب و کار، انواع محصولات، خدمات و فناوری های جدیدی را به بازار عرضه می نمایند (Yigitcanlar et al., 2019). با این تعریف پیش بینی می شود که سرمایه گذاری کارآفرینی نوآورانه نه تنها عملکردی بالاتر از متوسط را در زمینه رشد و اشتغالزایی ایجاد نماید (Colombelli, 2015)، بلکه فناوری ها و شیوه های تجاری نوینی را نیز معرفی کند که جملگی این موارد برای یک اقتصاد جهانی و رقابت پذیری ضروری است (Minniti, 2008). مطالعات نشان می دهد شرکت های نوآورانه پس از تأسیس، شانس بقای بالایی نسبت به سایر شرکت ها دارند. آنها سریعتر رشد کرده و دانش مثبت را در اقتصاد محلی ترویج می کنند (Audretsch & Link, 2012; Colombelli., 2015). این سرمایه گذاری ها بدلیل کمک نمودن از لحاظ اقتصادی به جامعه، نمونه کارآفرینی تولیدی بشمار می روند (Buffart et al., 2020). خلق سرمایه گذاری نوآورانه با وجود مزایای آن، سخت و دشوار است و به احتمال زیاد در مراحل ابتدایی با شکست مواجه خواهد شد؛ بویژه هنگامی که مبتنی بر فناوری های جدید باشد، زیرا برای ثبات و توسعه به زمان طولانی نیاز دارد و ممکن است نیازهای مشخص بازار را برآورده نکند (Audretsch & Link, 2012). مدل ها و شیوه های نوآورانه کسب و کار اغلب به زمان آزمایش و اعتبار در بازار نیاز دارند. یکی از راه های غلبه بر این چالش، حمایت مالی سیاست گذاران از برنامه های سرمایه گذاری نوآورانه است. با توجه به ظرفیت یادگیری بالای سرمایه گذاری نوآورانه نسبت به سایر سرمایه گذاری ها، برنامه های انتقال دانش نیز توانایی کمک به این نوع سرمایه گذاری جهت دستیابی به پتانسیل رشد را دارند (Colombelli et al., 2015).

اغلب سیاست گذاران بدلیل وجود این پتانسیل رشد مبتنی بر نوآوری، منابع کافی را برای حمایت و تأمین مالی برنامه های کارآفرینی مهیا می سازند تا مورد استقبال کلیه مراجعین واجد شرایط در زمینه نوآوری و ارائه خدمات قرار گیرد. اما در عمل این برنامه های حمایتی دولت غالباً فاقد منابع کافی برای برآوردن حتی اساسی ترین خواسته های آنها می باشند. با وجود دستورالعمل های عمومی (دولتی) درباره حمایت از این نوآوری ها، برنامه های دولتی توانایی پشتیبانی از همه را ندارند و باید

هستند و برهمین اساس فاقد تجربه و سابقه طولانی کافی برای کمک به موسسات مالی جهت ارزیابی اعتبار خود می باشند (Berger and Udell, 2002; Moro et al., 2020). در نتیجه وام دهندگان با مسائل پرخطر و اخلاقی روبرو هستند و باید به تکنیک های جایگزین برای وام دهی روی آورند (Moro et al., 2020) که در برخی اوقات لزوماً توانایی حل این مسائل را ندارند. سوم، نوآوری موجود در بنگاه های کارآفرین عدم اطمینان سرمایه گذاری و عملکرد آینده آنها را در محصولات، خدمات و فرایندهای جدید افزایش می دهد (Amit & Zott, 2012). نوآوری بیشتر و پیگیری شدید تحقیق و توسعه در سرمایه گذاری های کارآفرینی، ریسک را بالا می برد و باعث می شود محصولات، خدمات و فرایندهای جدید آنطورکه در بازارها پیش بینی شدند عمل نکنند و در نتیجه بتدریج شرکت های کارآفرینی دیگر قادر به تأمین بودجه های پیش بینی شده از جمله جریان مورد نیاز برای بازپرداخت اصل و سود سرمایه نباشند. نهایتاً عدم اطمینان ناشی از نوآوری شرکت های کارآفرین در مقایسه با بنگاه هایی که دارای بازارهای مستقر و مشخص، خطوط تولید، خدمات و فرایندهای ثابت هستند، ریسک بیشتری را به تأمین کنندگان سرمایه تحمیل می نماید.

چهارم، درحالیکه برخی تحقیقات نشان می دهد که تسهیلات بانکی مهمترین منبع مالی بنگاه های کارآفرین نیست، اما اکثر شواهد تجربی نشان می دهد که نرخ بالای رشد بعنوان مشخصه اصلی بنگاه های کارآفرین بطور معمول از طریق وام بانکی تأمین شده است (Rostamkalaei & Freel, 2016). براین اساس ساختار سرمایه بنگاه های کارآفرین با بخش بزرگی از تأمین مالی بصورت بدهی (اهرم مالی بیشتر) مشخص می شود که به نوبه خود، ریسک مالی را افزایش می دهد (La Rocca, La Rocca, & Cariola, 2011). بطورکلی تأثیر مشترک این چهار ویژگی مذکور که در افزایش ریسک موثرند، باید مورد توجه بانک ها هنگام تهیه و ارائه تسهیلات به بنگاه های کارآفرین قرار گیرد.

برای کاهش ریسک وام و تسهیلات بانکی از تکنیک های مختلف رسمی (وام معاملات) و غیررسمی (وام دهی رابطه ای) استفاده می شود (Berger and Udell, 2002). با اینحال این تکنیک ها فقط می تواند تا حدودی عدم تقارن اطلاعات و برخی مسائل آژانس های مرتبط با بانک ها را جبران و رفع نماید، به گونه ای که مشکلات دسترسی بنگاه های کارآفرین به اعتبار بانکی مرتفع نمی گردد. دسترسی محدود به اعتبارات (وجوه اضافی) می تواند توانایی شرکت های کارآفرین را برای بهره برداری از پتانسیل رشد کامل آنها بخطر اندازد (Beck

پیش بینی می کنند که به احتمال زیاد شرکت کنندگان، حمایت را برای دستیابی به نقاط عطف رشد نیاز دارند. آنها همچنین بطور رسمی در دستورالعمل های برنامه بیان شده اند؛ بنابراین می توان از معیارها برای انتخاب "برندگان" در نمایش اولیه استفاده کرد (Shin et al., 2009). یک رویکرد مشترک برای این کار، ارزیابی پتانسیل های آینده بر اساس عملکرد گذشته است (Lerner, 2010). عبارت دیگر انتخاب برندگان متکی به ویژگی هایی است که از قبل در بازار تأیید شده است و انتظار می رود این راهنمایی یک سیگنال قابل اطمینان برای پتانسیل رشد آینده باشد. از آنجا که هیچ شاخص واحدی منجر به نتایج رشد مداوم نمی شود، تکیه بر عملکرد گذشته هنوز روشی مناسب و مقرون به صرفه برای انتخاب مشاغل بالقوه نوآورانه برای حمایت و بکارگیری پایه اولیه از "برندگان" با عملکرد مناسب است که احتمالاً با رشد بالایی همراه خواهد بود. بدون پشتیبانی این معیارها، اجرا و عمل بدون ابهام آسان نخواهد بود. این رویکرد روشی کم خطر و مقرون به صرفه برای کاربرد و استفاده منابع عمومی بشمار می آید (Buffart et al., 2020). معمولاً چندین شاخص عملکرد برای انتخاب شرکت کنندگان با رشد بالا استفاده می شود. این موارد شامل اولویت برای مشاغل بزرگتر از نظر فروش، تعداد کارمندان یا مقدار دارایی است؛ زیرا سرمایه گذاری های مذکور از قبل دارای سابقه اثبات شده هستند (Chabaud and Messeghem, 2014). مجموعه معیارهای دیگر شامل سرمایه گذاری های نوآورانه یا جوان با رشد بالا است؛ زیرا این مشاغل دارای بهترین پتانسیل برای ادامه رشد و تأثیر اقتصادی گسترده تر هستند (Colombelli, 2015). از آنجا که نه تنها سرمایه گذاری های جوان با محصولات یا خدمات نوآورانه به درآمد و اشتغالی کمک می کنند بلکه در عین جذابیت، فناوری های جدیدی را نیز به بازار عرضه می نمایند (Colombelli, 2015). علاوه بر این شاخص های عملکرد، محققان معیارهای انتخاب دیگری را نیز شناسایی کرده اند؛ از جمله: اهداف رشد برخلاف رشد واقعی خود (Wiklund & Shepherd, 2003)، سرمایه گذاری مبتنی بر فرصت برخلاف نیاز مبتنی بر ضرورت، تکمیل غربالگری خارجی (Shin et al., 2009) و یا مشاغل موجود در بخش های با رشد بالا همانند فناوری یا تولید (Mason & Brown, 2013). در نتیجه طیف نسبتاً گسترده ای از معیارهای مختلف انتخاب مورد استفاده قرار می گیرد و تعجب آور نیست که تغییرات و تفاوت های زیادی در اثربخشی نتایج پیدا شود.

۱. پیشینه تحقیق

رنجبر و همکاران (۱۳۹۸) به ترسیم الگوی مفهومی دولت

فقط برای افرادی که مصمم هستند تا بهترین نتایج را کسب نمایند، تامین مالی در سرمایه گذاری را انجام دهند. سیاست گذاران برای مقابله با این معضل، تلاش خود را بر حمایت از مؤثرترین سرمایه گذاری های نوآورانه بعنوان راهی برای مدیریت منابع عمومی محدود متمرکز و معطوف کرده اند (Buffart et al., 2020).

اگرچه تمرکز بر روی کسب و کارهای نوآورانه تولیدی بعنوان یک دستورالعمل ساده برای سیاست گذاری بنظر می رسد، اما سازوکارهای واقعی برای انتخاب و حمایت آنها پیچیده است. این امر مستلزم طراحی برنامه های حمایتی برای جذب مشتری و ارائه مشاوره باکیفیت به آنها می باشد. بطور معمول برنامه ها برای به حداکثر رساندن منابع محدود حمایتی، با مبادلات مختلفی روبرو هستند. برنامه ها باید چگونگی انتخاب مشتری وفادار را تعیین نمایند و زمان مشاوره را برای کسانی که احتمالاً این حمایت ها را به نتایج رشد ملموس تبدیل می کنند، اختصاص دهند. با این وجود پیش بینی اینکه چه مشتری هایی شایستگی مشاوره بیشتری دارند، چالش برانگیز است؛ زیرا به استفاده از معیارهای صحیح انتخاب و طراحی بستگی دارد و اینکه برنامه ها مانند هر فرایند انتخاب، با اطلاعات ناقص ارزیابی مشتری های آینده نگر روبرو می شوند (Mason & Brown, 2013). آنها ممکن است خطای نوع I ("مثبت کاذب": اتلاف منابع محدود توسط حمایت غیرمجاز از مشتریانی که این منابع به آنها اختصاص نیافته است) و خطای نوع II ("منفی کاذب": رد مشتریانی با پتانسیل بالا یا عدم جذب آنها به اندازه کافی بطور موقت) را مرتکب شوند. یکی از رویکردهای ساده برای مقابله با این مسائل، انتخاب "برندگان" براساس معیارهای متداول و رایج پذیرفته شده جهت اطمینان از اثربخشی برنامه است؛ زیرا برندگان احتمالاً حتی بدون دریافت حمایت و پشتیبانی، موفق می شوند (Shin et al., 2009). به موازات این تعادل، چارچوبی کارآمد برای طراحی و تدوین برنامه ها ایجاد می شود که بهترین مسیر استفاده از منابع عمومی محدود را جهت توسعه اقتصادی قوی تر نشان می دهد (OECD, 2019). برنامه های عمومی، بنگاه هایی را که با اهداف سیاست گذاری همسو هستند، انتخاب و سپس پشتیبانی می نمایند؛ مانند مشاوره شخصی یا آموزش های مدون برای کمک به رشد مشاغل. در عمل، برنامه ها در تلاشند تا طرح هایی را برای اجرای این اصول ساده جهت دستیابی به رشد بکار گیرند. با توجه به منابع محدود، برنامه های حمایتی نمی توانند همه مشارکت کنندگان شایسته را بطور مساوی در خود جای دهند و برای تعیین چگونگی تخصیص حمایت باید به معیارهای مختلف گزینش تکیه کنند. بطور معمول این معیارها

و گزارش دادند افزایش رشد سود سالیانه اشتغال و فروش بواسطه دریافت وام های دولتی ایجاد شده و تاثیر قابل توجه و پایدار دولت کارآفرین بر رشد اقتصادی مشهود بوده است.

ویکی‌دی^۳ و همکاران (۲۰۱۸) سیاست‌های دولت و جهت گیری کارآفرینی شرکت‌ها را از منظر انتخاب استراتژیک و دیدگاه‌های سازمانی مورد بررسی قرار دادند و دریافتند ایجاد تئوری انتخاب راهبرد و تئوری سازمانی بجای اتخاذ دیدگاه قطعی زیست‌محیطی و درک سیاست های جدید توسط کارآفرینان و سرمایه گذاری روی چنین سیاست هایی بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

پنگ و لی یو^۴ (۲۰۱۸) در یک مطالعه تجربی در چین درخصوص اینکه چگونه یارانه‌های دولتی رشد شرکت‌های کارآفرین در صنعت انرژی پاک را ترویج می کنند به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه، تاثیر تاخیری بر رشد شرکت های کارآفرین ندارد و یارانه‌های دولتی، اثرات تعدیل‌کننده مثبت بر رابطه بین سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه و رشد شرکت های کارآفرین دارند. آنها تسهیل در درک و ارزیابی کارکردهای یارانه‌های دولتی و طراحی راهبردهای مناسب ارائه یارانه دولتی را پیشنهاد دادند.

اسکات و اشتاین مایلر^۵ (۲۰۱۸) سه چارچوب ذیل را برای سیستم نوآوری معرفی کردند: تحقیق و توسعه، سیستم نوآوری و تغییر تحول گرا. برای این منظور، نهادینه‌سازی حمایت دولت از علم، تحقیق و توسعه و رقابتی بودن سیستم‌های ملی نوآوری برای ایجاد دانش جدید و تجاری سازی مورد تاکید قرار می‌گیرند. این در حالیکه هر سه چارچوب به سیاست و سیاست گذاری وابسته هستند.

راوینیهیل^۶ (۲۰۱۸) دولت‌های کارآفرینانه را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که ظهور شرکت کنندگان برجسته جدید (NPP) در حکمرانی جهانی منجر به احیای علاقه علمی بمفهوم قدرت های میانی شده است. وی دو عامل ارزشمند رفتار راهبرد و هدف درخصوص قدرت های میانی را استخراج نمودند.

پرادلا^۷ (۲۰۱۷) دولت کارآفرین ماریانا مازوکاتو را بررسی نمود و پاسخگویی درخور دولت کارآفرین به سؤالات در لحظه مناسب - وجود دولت مداخله گر پشت بسیاری از نوآوری ها و تغییر چگونگی گفتمان درباره دولت را بعنوان "مؤثرترین راه

کارآفرین در ایران با رویکرد فرا تحلیل کیفی پرداختند و دریافتند که این الگو شامل سیاست های کلان، حکمرانی خوب، عدالت اجتماعی، رسالت محوری، عوامل فرهنگی اجتماعی، تمرکز زدایی، مشتری مداری، بازارگرایی و حمایت و پشتیبانی می باشد.

فدایی کیوانی و دیگران (۱۳۹۸) به بررسی سازمان ها و دولت کارآفرین پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شفاف سازی رسالت ها و اهداف و چشم انداز توسط دولت، تبیین قوانین درست و حذف قوانین زاید در سازمان های دولتی، ایجاد فرهنگ کارآفرینانه در سطح جامعه و تغییر نگاه مردم از دولتی بسمت خصوصی سازی فعالیت ها جهت تحقق سازمان و دولت کارآفرین از جمله عوامل موفقیت دولت کارآفرین هستند.

میریان اقدم و دیگران (۱۳۹۷) دریافتند که حضور کارآفرینی از ابتدای خلقت بشر و در تمام شیون مختلف زندگی انسان که مبنای تمامی تحولات و پیشرفت های بشری است و نه تنها افراد در کارآفرینی نقش دارند بلکه از دولت نیز انتظار ایفای نقش کارآفرینی و همچنین حمایت از کارآفرینان می‌رود.

نصیری زنگ آباد (۱۳۹۵) به طراحی مدل دولت کارآفرین برای سازمان های اداری ایران پرداختند و گزارش کردند برای مدل دولت کارآفرین، عوامل ذیل حائز اهمیت هستند: ورود کارآفرینی بفضای خدمات عمومی و ایجاد نظریه بازارآفرینی دولت، حصول متغیرهای اصلی تعلق به مردم، بازارگرایی، رسالت محوری، مشتری مداری، تمرکز زدایی، اشاعه اخلاق حرفه ای، توسعه مدیریت جهادی و برقراری عدالت اجتماعی.

فولادی و دیگران (۱۳۹۵) به مقایسه سیاست های نوآوری تامین مالی برای توسعه کارآفرینی در کشورهای سنگاپور، تایوان و ایران پرداختند و دریافتند با اینکه گسترش بخش مالی امری موثر جهت توسعه اقتصادی هر کشوری است، صندوقهای مالی توسعه فناوری ایران بهیچ وجه با مفهوم سرمایه گذاری خطرپذیر همخوانی ندارند و تامین مالی شرکت های نوپا پیشرفته کشور با مشکلات جدی همراه است.

لاندونی و اگیلوی^۱ (۲۰۱۹) به بررسی همگرایی سیاست های نوآوری در صنعت هوافضا اتحادیه اروپا پرداختند و بیان کردند نقش دولت بعنوان ایجاد کننده آژانس های ملی برای حمایت از صنعت هوافضا با استفاده از ابزارهای سیاست نوآوری بسیار حائز اهمیت می باشد.

برتونیا^۲ و همکاران (۲۰۱۹) تاثیر وام‌های مشارکتی دولت بر رشد سرمایه‌گذاری های کارآفرینی را مورد بررسی قرار دادند

³ Wiqidi

⁴ Peng and Liu

⁵ Schot and Steinmueller

⁶ Ravenhill

⁷ Pradella

¹ Landoni and Ogilvie

² Bertonia

برای دفاع از وجود و اندازه آن به شیوه ای پیشرو^۱ معرفی کرد.

روش شناسی

مطالعه حاضر، به روش ترکیبی و از نوع طرح‌های تحقیق آمیخته اکتشافی می‌باشد که در دو مرحله پیاپی کیفی-کمی انجام می‌گیرد. تحقیق حاضر در مرحله اول (فاز کیفی) به مطالعه کیفی پرداخته و در این فاز با بررسی و ارزیابی مطالعات انجام شده در زمینه موضوع مطرح شده در پژوهش حاضر و همچنین مصاحبه عمیق با خبرگان حوزه‌ی دولت کارآفرین، اطلاعات لازم جمع‌آوری کرده و با استفاده از روش گراند تئوری، به کدگذاری و مقوله‌بندی و ارائه مدل مفهومی پرداخته است. گراند تئوری یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به تئوری‌های موجود، خود به تدوین تئوری اقدام کند. این تئوری به شکل نظام‌مند و بر اساس داده‌های واقعی تدوین می‌شود. این روش در مواردی کاربرد دارد که دانش ما در آن زمینه‌ها محدود است. در این روش، مراحل تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده، در سه مرحله کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری انتخابی^۳ انجام می‌گردد: (۱) کدگذاری باز عبارت است از فرایندی تحلیلی که از طریق آن مفاهیم مشخص شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها از درون کشف می‌شوند. در مرحله کدگذاری باز پژوهشگر مفاهیم را شناسایی و بر حسب خصوصیات و ابعادشان بسط می‌دهد. در این مرحله پژوهشگر از دل داده‌های خام اولیه، مقوله‌های مقدماتی را در ارتباط با پدیده مورد بررسی از طریق جزء جزء کردن اطلاعات، به شکل‌بندی مقوله‌های اطلاعات درباره پدیده مورد مطالعه، سؤال کردن درباره داده‌ها، مقایسه موارد، رویدادها و دیگر حالات پدیده‌ها برای کسب شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌پردازد. (۲) کدگذاری محوری: پژوهش‌گر یکی از مقوله‌ها را محور فرآیند در حال بررسی و اکتشاف قرار می‌دهد (بعد اصلی) و سپس مقوله‌های دیگر را (مؤلفه‌ها) به آن ارتباط می‌دهد. در این ارتباط در این پژوهش شناسایی ابعاد اصلی و مؤلفه‌های مرتبط مورد نظر بوده است. (۳) کدگذاری انتخابی: عبارت است از روند انتخاب مقوله‌ی هسته به طور منظم و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقوله‌هایی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند.

شواهد پژوهش در مرحله مطالعه کمی با استفاده از

پرسشنامه با داده های کمی گردآوری و در تجزیه و تحلیل آن از آمار توصیفی و استنباطی استفاده می‌گردد. با کاربرد آمار توصیفی اقدام به تحلیل توصیفی با استناد به شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی و دیگر شاخص‌های آماری از قبیل فراوانی و درصد فراوانی می‌شود. تجزیه و تحلیل کمی در دو مرحله انجام می‌گیرد. در مرحله اول شواهد و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه (گویه های شناسایی شده در مرحله کیفی) گردآوری شده و با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی اقدام به پالایش می‌شود. در این مرحله مولفه‌ها و گویه‌های مرتبط با آن شناسایی و گویه های نامناسب حذف می‌گردد و پرسشنامه برای اجرای مطالعه تجربی مهیا می‌شود. در مرحله بعدی داده‌های آماری با استفاده از پرسشنامه مبتنی بر سناریو گردآوری و با استفاده از روش های مناسب از جمله: تحلیل عاملی، آزمون KMO، مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در فرایند تجزیه و تحلیل از بسته نرم افزارهای (اس، پی، اس؛ لیزرل) استفاده می‌شود.

مشارکت کنندگان و نمونه گیری در بخش کیفی: تمرکز پژوهش جاری بر ارائه الگوی دولت کارآفرین برای کشور است. دولت ایران دارای ۱۹ وزارتخانه در حوزه های مختلف است که شاکله کابینه دولت را تشکیل می دهد و عملاً بازوی اجرایی سیاست های دولت بشمار می آید. از آنجا که این پژوهش در حوزه سیاست های نوآوری و فناوری انجام می شود، مدیران و کارشناسان ارشد وزارت صمت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بعنوان جامعه آماری برگزیده شده است. از نظر قلمرو مکانی استان تهران بعنوان پایتخت کشور که وزارتخانه‌های دولت را در خود جای داده است، انتخاب می شود. بنابراین در بخش کیفی تحقیق، از نظر اعضای هیات علمی و صاحب نظران دانشگاهی و همچنین خبرگان سازمان های دولتی و متخصصینی که سالهاست بطور مستقیم و غیرمستقیم با موضوع "دولت کارآفرین" سر و کار دارند، استفاده شده است که در نهایت منجر به استخراج و شناسایی متغیرها و طراحی مدل می گردد. شیوه نمونه گیری افراد در بخش کیفی این تحقیق، ترکیبی از روش "نظری" و "گلوله برفی" بصورت انتخاب و شناسایی حجم نمونه تا حد "اشباع" از خبرگان، اعضای هیات علمی و صاحب نظران بطور هدفمند است. روش نمونه گیری نظری، شیوه ای مرسوم و غالب در نظریه زمینه ای است؛ بطوریکه انتخاب نمونه ها، محقق را تا سرمنزل مقصود یعنی خلق تئوری یا نظریه یاری می کند. در این روش نمونه گیری، ابتدا انتخاب افراد براساس حدس و گمان و قضاوت پژوهشگر با بهره گیری از منابعی همچون گفتگو و مصاحبه، مشاهده، مرور ادبیات علمی و مقالات صورت می گیرد. در ادامه با

¹ Open Coding

² Axial Coding

³ Selective Coding

رسیدن به حجم نمونه قابل قبول، تعداد ۲۶۵ پرسشنامه توزیع شده است که در پایان، ۲۲۵ پرسشنامه برگشت داده شده است. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ی آماری مطابق با داده‌های جدول ۱ می‌باشد.

پیگیری نمونه‌های مناسب‌تر و کاربردی، نظریه خلق شده تکامل می‌یابد. مشارکت کنندگان و حجم نمونه در روش کمی؛ جامعه آماری مدیران کارآفرین سازمانی در تهران هستند، که تعداد آنها ۴۶۴ نفر است. بنابراین جامعه آماری از نوع محدود می‌باشد. بنابراین حجم نمونه با توجه به جدول مورگان ۲۱۲ نفر می‌باشد. نوع روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی است. که برای

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ی آماری

متغیر	گروه بندی	فراوانی	درصد
جنسیت	کمتر از ۱۰ سال	۵۰	۲۷/۰
	بین ۱۱ تا ۱۵ سال	۱۲۳	۶۶/۵
	بیشتر از ۱۶ سال	۱۲	۶/۵
سن	۳۰ تا ۳۵ سال	۳۶	۱۹/۵
	۳۶ تا ۴۰ سال	۷۱	۳۸/۴
	۴۱ و بیشتر	۷۸	۴۲/۲
	کل	۱۸۵	۰/۱۰۰

برای پاسخ‌گویی به این سوال، با استفاده از ابزار مصاحبه‌ی اکتشافی و نیمه‌ساختاریافته، سوالات باز از متخصصان و صاحب نظران حوزه کارآفرینی و دولت کارآفرین پرسیده شد که پس از انجام فرآیند مصاحبه، اشباع نظری حاصل گردید. برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها از روش کیفی گراند تئوری استفاده شد. در این روش در مرحله کدگذاری باز متن هر مصاحبه کلمه به کلمه بررسی شد و از کلمات و عبارات مصاحبه‌ها، مفاهیمی استخراج گردید. در مرحله کدگذاری محوری هر مصاحبه با قرار دادن مقولات مشابه در سطوح کلی ویژگی‌ها، الگوی عوامل موثر بر دولت کارآفرین انتخاب گردید. در جدول ۲، به تشریح مراحل تحلیل کیفی مصاحبه‌ها با روش گراند تئوری پرداخته شده است.

نتیجه حاصل شده نشان می‌دهد که ۲۷/۰ درصد از پاسخ دهندگان را کمتر از ۱۰ سال و ۶۶/۰ درصد از پاسخ دهندگان بین ۱۱ تا ۱۵ سال و ۶/۰ درصد از پاسخ دهندگان بیشتر از ۱۶ سال می‌باشند. نتیجه حاصل شده نشان می‌دهد که ۱۹/۵ درصد در بازه سنی ۳۰ تا ۳۵ سال، ۳۸/۴ درصد در بازه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال، ۴۲/۲ درصد در بازه سنی ۴۱ و بیشتر می‌باشند.

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

در این قسمت به سوالات مطرح شده در پژوهش حاضر پاسخ داده می‌شود:
سوال اول: ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های الگوی عوامل موثر بر دولت کارآفرین کدامند؟

جدول ۲: نتایج منتج از کدگذاری‌های انتخابی، محوری و باز

ابعاد	مقوله اصلی	مقوله فرعی
پدیده اصلی (دولت کارآفرین)	سیاست‌های کارآفرینانه	قوانین حمایت‌گر
		سیاست‌های سازمانی حمایت از کارآفرینی
		اصلاح سیاست‌های بالادستی
		برنامه ریزی راهبردی
فرهنگ کارآفرینی	فرهنگ کارآفرینی	تدوین سیاست‌های کلان حامی کارآفرینی در دولت
		توجه به الزامات درونی و بیرونی و استناد به قوانین بالادستی
		فرهنگ اشتغال
		تربیت نیروی انسانی متخصص و نسل کارآمد
		ایجاد فرهنگ کارآفرینی در بدنه دولت
		همانگی بین نهادهای دخیل در کارآفرینی

ابعاد	مقوله اصلی	مقوله فرعی
		ترویج فرهنگ خدمت به افراد جامعه و کشور
	ساختار سازمانی	آماده سازی زیرساخت ها تقویت ساختار کارآفرینانه توجه به ایده ها و نوآوری های خلاقانه ایجاد زیر ساخت های کارآفرینی در بدنه سازمان ها ساختار مبتنی بر شایستگی تقویت ساختار منعطف کارآفرینانه
	آموزش و پژوهش مبتنی بر کارآفرینی	پژوهش های تقاضا محور تربیت نیروی متخصص تربیت شهروندان بلد و آگاه تجاری سازی نتایج پژوهش های کارآفرینی آیین نامه های آموزشی مناسب توسعه یادگیری تیمی و همکارانه
	راهبردهای دولت کارآفرین	کوچک سازی دولت چابک سازی دولت برنامه ریزی آینده نگر ایجاد نهادهای کارآفرینی در سازمان ها قراردادهای اقتصادی با سایر نهادها و موسسات حکمرانی خوب ادغام منابع انسانی و فیزیکی اصلاح شیوه نامه ها و مقررات قوانین تسهیل گر تمرکز زدایی تامین منابع مالی و سرمایه گذاری متنوع
علل زمینه ای	محیط سازمانی کارآفرینی	محیط کارآفرین و ارتباط با آن چابک سازی دولت در جهت نوآوری و همگام سازی با پیشرفت های فناورانه تشکل ها و انجمن های کارآفرینانه حمایت مادی از ایده های نوآورانه و کارآفرینانه
	رسمی سازی	سازو کارها و استانداردهای سازی های هماهنگ کننده قوانین و مناسبات جدید بین المللی قوانین و مناسبات جدید ملی
	رویه های کارآفرینی	انتخاب و گزینش های کارآفرینانه رفتارها و تصمیمات غیرسیاسی در امورات جاری سازی مأموریت های اجتماعی در تصمیمات فرا کلان حمایت از مالکیت معنوی
	سرمایه گذاری مادی و معنوی	تدوین راه حل های کاربردی برای حل مسائل جلب توجه و مشارکت داوطلبانه افراد در انجام فعالیت های اجتماعی ساختار سازی هنرمندانه جهت ترویج روحیه کارآفرینانه بهره مندی از پتانسیل های محیطی بکارگیری مشارکت همه جانبه نهادهای جامعه

مقوله فرعی	مقوله اصلی	ابعاد
فهم واقعیت های بازار و کسب و کار	استعداد های بالقوه	
ارتقای روحیه کارآفرینی در سازمانها ارتقای روحیه کارآفرینی و خودباوری در جامعه پتانسیل انجام فعالیت های گروهی مهارت های ارتباطی و تعاملات گروهی ایجاد مهارت کسب و کار در افراد جوان جامعه		
تشویق ایده پردازی و ایده یابی کاربردی در حل مسائل اجتماعی انعطاف پذیری در پذیرش رویکردهای نوین اجرایی و آموزشی بکارگیری مدیران با عملکرد مدیریت در شرایط پیچیده و غیرقابل پیش بینی سبک رهبری کارآفرین گرا و خلاقیت محور راه اندازی کرسی های آزاد اندیشی جهت توسعه ایده های جدید پاسخگو بودن	رهبری و بینش کارآفرینی	
برنامه ریزی بر اساس سطوح کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تدوین رسالت و چشم اندازها بر پایه تجربه های نوپدید تدوین ماموریت و اهداف مبتنی بر رسالت ها و چشم اندازهای نوین پرورش مهارت های تفکر خلاق و نوآورانه چشم انداز بر اساس مشارکت و موافقت ذی نفعان تدوین سند کارآفرینی	برنامه ریزی آینده نگر	
تدارک پشتیبانی های اجرایی توانمندسازی نیروی انسانی جهت راه اندازی کارآفرینی ایجاد نوآوری در سبک رفتارهای کارکنان سازمان ها ایجاد و راه اندازی پایگاه اطلاعاتی و داده یابی تسهیل در انجام تعاملات میان فردی بهره گیری از تکنولوژی و فناوری نظم بخشی دیجیتالی	بسته های حمایتی	راهبردها
ارتباط با صنعت ارتباط با کارآفرینان برتر و الگو برداری حمایت اطلاعاتی، مشاوره ای و مالی از کارآفرینان ارائه خدمات و مشاوره در زمینه کارآفرینی اجتماعی ایجاد شبکه های کارآفرینی اجتماعی بکارگیری امکانات و فناوری های نوین ایجاد شرایط آسان دسترسی به فناوری استفاده از شرایط و پتانسیل فضای مجازی	ارتباط با جامعه و کارآفرینان	
تفویض اختیارات سازمانی احترام به گفتمان های کارآفرینانه بها دادن به بخش خصوصی عدم دخالت دولت ایجاد شرایط مسئولیت پذیری عملیاتی شکل گیری واحدهای کارآفرینانه	تمرکز زدایی	عوامل مداخله گر
طراحی تشکیلات سازمانی متناسب با ماموریت های نوین	ساختار سازی مناسب	

ابعاد	مقوله اصلی	مقوله فرعی
		ایجاد ساختارهای توانمندساز و هوشیار توسعه فعالیت ها، احساسات و تعاملات غیررسمی شکل گیری ارتباطات بین المللی الگوپذیری از کشورهای توسعه یافته
	آیین نامه ها کارآفرینانه	برون سپاری و استفاده از نهادهای کارآفرین تشویق ایده های نوآور و کارآفرین بر اساس موازین رسمی ایجاد باور ها و عادات صحیح کارآفرینانه نهادینه سازی فعالیت های داوطلبانه و کارآفرینانه ترویج و حمایت از رفتارهای معقول و منطقی کارآفرینانه
	ارزش های مشترک	یکپارچه نگری در طراحی برنامه ها و فعالیت ها ترویج فرهنگ آزمون و خطا و کسب تجربه ایجاد فضای کسب و کارانه آموزشی همنوایی و یکپارچگی در اتخاذ تصمیم و اجرای تصمیمات کارآفرینی مشارکت و همدلی در انجام فعالیت ها
	مواضع قانونی و حقوقی	قوانین و مقررات عادلانه و تسهیل کننده ساز و کارهای کنترل و نظارتی ارتقای کیفیت قوانین حذف بروکراسی اداری و دست و پا گیر تدوین قوانین منعطف
	نیازها و تقاضای جدید	الزامات اقتصادی و اجتماعی شکل گیری بازار رقابتی؛ بازارگرایی نیازمندی های پیدا و پنهان اجتماعی اهمیت سرمایه های انسانی و اجتماعی چشم انداز ها و ماموریت های نوین تعهد در ارائه خدمات اجتماعی تحرک اجتماعی و لزوم توجه به آن بصیرت های جدید افراد جامعه
موجبات علی	کارآفرین گرایی	ایجاد محیط های فیزیکی برای کسب و کارهای کارآفرینانه در سطح اجتماع بویژه محیط دانشگاهی وجود شرایط بالقوه کارآفرینی در سطح جامعه وجود عوامل زمینه ای برای توسعه روحیه خلاقیت و نوآوری دارا بودن موقعیت های ناب محیطی آموزش های سطح بالا در مورد چرایی، چیستی و چگونه ای ایجاد فرصت فرصت های ابتکار و نوآوری
	ارتقای کیفیت زندگی	بهبود رفاه اجتماعی توجه به منابع جدید توسعه پیشرفت های تکنولوژیکی و فناوری فعالیت های خدماتی ثروت آفرین و تولید ثروت توسعه بیش کسب سرمایه های معنوی
پیامدها	بین المللی شدن	ارتباط با مجامع بین المللی

مقاله اصلی	مقاله فرعی	ابعاد
توسعه جامعه مدنی	کمک به ارتقای سطح زندگی افراد جامعه توسعه گروهی نقش های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی افراد کمک به یادگیری مهارت های زندگی شهروندی توسعه فرهنگ ارایه خدمات فردی و تیمی اجتماعی به همدیگر کسب مهارت های کار و زندگی سطح بالا تصویب قوانین عادلانه توجه به مشتری و مشتری مداری	الگو برداری از سازمان های بین المللی کارآفرین و نوآور موفق توجه به بین المللی بودن مبحث کارآفرینی نوآورانه
تجاری سازی دانش	تولید علم و ایجاد شرکت های دانش بنیان رشد سطح فناوری ها رشد سطح تعاملات شرکت های مستقر در پارک علم و فناوری تبدیل دانش آموختگان به نیروی کار و سرمایه ایجاد انگیزه و امنیت در حوزه کارآفرینی رفع بیکاری و اشتغالزایی	پدیده اصلی: پدیده اصلی از مؤلفه های کلیدی مورد بررسی و توجه جهت تدوین ابعاد الگوی دولت کارآفرین با تاکید بر سیاست های نوآوری و فناوری می باشد؛ در این زمینه ابعاد: ۱ سیاست های کارآفرینانه: با مقوله های فرعی "قوانین حمایتگر، سیاست های سازمانی حمایت از کارآفرینی، اصلاح سیاست های بالا دستی، برنامه ریزی راهبردی، تدوین سیاست های کلان حامی کارآفرینی در دولت و توجه به الزامات درونی و بیرونی و استناد به قوانین بالا دستی؛" ۲ فرهنگ کارآفرینی: با مقوله های فرعی "فرهنگ اشتغال، تربیت نیروی انسانی متخصص و نسل کارآمد، ایجاد فرهنگ کارآفرینی در بدنه دولت، هماهنگی بین نهادهای دخیل در کارآفرینی و ترویج فرهنگ خدمت به افراد جامعه و کشور؛" ۳ ساختار سازمانی: با مقوله های فرعی "آماده سازی زیرساخت ها، تقویت ساختار کارآفرینانه، توجه به ایده ها و نوآوری های خلاقانه، ایجاد زیرساخت های کارآفرینی در بدنه سازمان ها، ساختار مبتنی بر شایستگی و تقویت ساختار منعطف کارآفرینانه؛" و نهایتاً ۴ آموزش و پژوهش: مبتنی بر کارآفرینی با مقوله های فرعی "پژوهش های تقاضا محور، تربیت نیروی متخصص، تربیت شهروندان بلد و آگاه، تجاری سازی نتایج پژوهش های کارآفرینی، آیین نامه های آموزشی مناسب و توسعه یادگیری تیمی و همکارانه" گردآوری و تالیف گردید.
		مقاله ها در قالب ۲۶ مقوله محوری در مرکز ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی بصورت: شرایط علی (۳ مقوله)؛ پدیده اصلی: دولت کارآفرین با تاکید بر سیاست های نوآوری و فناوری (۴ مقوله)؛ راهبرد (۴ مقوله)؛ زمینه (۶ مقوله)؛ عوامل مداخله گر (۵ مقوله)؛ پیامد (۳ مقوله) جای گرفتند.
		موجبات علی: موجبات علی شامل عواملی است که مستقیماً به پدیده اصلی دولت کارآفرین با تاکید بر سیاست های نوآوری و فناوری منجر می شوند. موجبات علی خود از سه مقوله اصلی: ۱ نیازها و تقاضای جدید با مقوله های فرعی "الزامات اقتصادی و اجتماعی، شکل گیری بازار رقابتی، بازارگرایی، نیازمندی های پیدا و پنهان اجتماعی، اهمیت سرمایه های انسانی و اجتماعی، چشم اندازها و مأموریت های نوین، تعهد در ارایه خدمات اجتماعی، تحرک اجتماعی و لزوم توجه به آن و بصیرت های جدید افراد جامعه؛" ۲ کارآفرین گرایی با مقوله های فرعی "ایجاد محیط های فیزیکی برای کسب و کارهای کارآفرینانه در سطح اجتماع بویژه محیط دانشگاهی، وجود شرایط بالقوه کارآفرینی در سطح جامعه، وجود عوامل زمینه ای برای توسعه روحیه خلاقیت و نوآوری، دارا بودن موقعیت های ناب محیطی، آموزش های سطح بالا درباره چرایی، چپستی و چگونگی ایجاد فرصت، و فرصت های ابتکار و نوآوری؛" ۳ ارتقای کیفیت زندگی با مقوله های فرعی "بهبود رفاه اجتماعی، توجه به منابع جدید توسعه، پیشرفت های تکنولوژیکی و فناوری، فعالیت های خدماتی ثروت آفرین و تولید ثروت و توسعه بینش کسب سرمایه های معنوی" تشکیل شده است.

های فناورانه، تشکل ها و انجمن های کارآفرینانه و حمایت مادی از ایده های نوآورانه و کارآفرینانه؛^۳ رسمی سازی: با مقوله های فرعی "سازو کارها و استانداردهای سازی های هماهنگ کننده، قوانین و مناسبات جدید ملی و بین المللی"؛^۴ رویه های کارآفرینی: با مقوله های فرعی "انتخاب و گزینش های کارآفرینانه، رفتارها و تصمیمات غیرسیاسی در امورات، جاری سازی مأموریت های اجتماعی در تصمیمات فرا کلان و حمایت از مالکیت معنوی"؛^۵ سرمایه گذاری مادی و معنوی: با مقوله های فرعی "تدوین راه حل های کاربردی برای حل مسائل، جلب توجه و مشارکت داوطلبانه افراد در انجام فعالیت های اجتماعی، ساختار سازی هنرمندانه جهت ترویج روحیه کارآفرینانه، بهره مندی از پتانسیل های محیطی، بکارگیری مشارکت همه جانبه نهادهای جامعه و فهم واقعیت های بازار و کسب و کار"؛^۶ و استعداد های بالقوه: با مقوله های فرعی "ارتقای روحیه کارآفرینی در سازمانها، ارتقای روحیه کارآفرینی و خودباوری در جامعه، پتانسیل انجام فعالیت های گروهی، مهارت های ارتباطی و تعاملات گروهی و ایجاد مهارت کسب و کار در افراد جوان جامعه" شناسایی و کدبندی شدند.

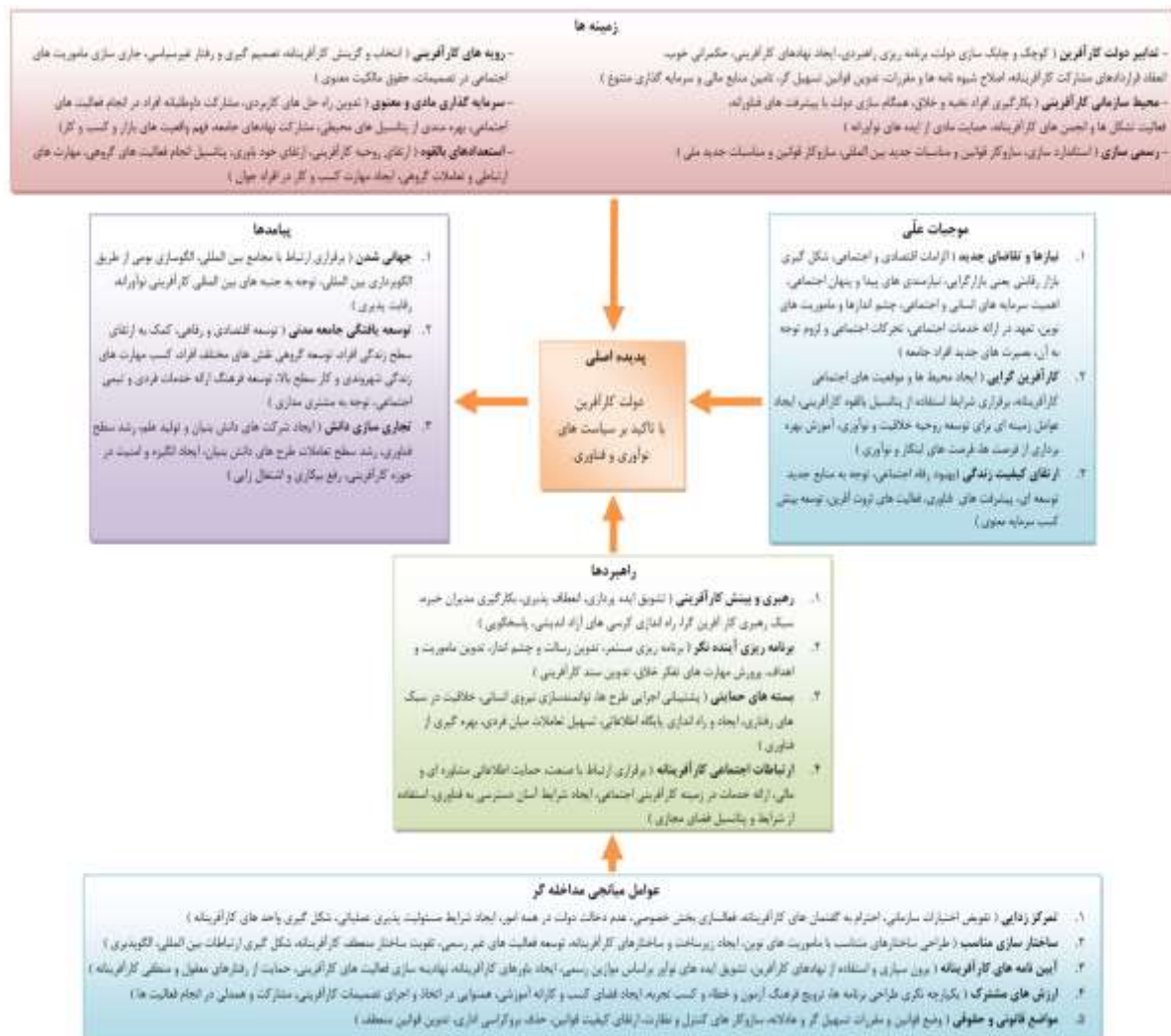
شرایط مداخله گر محیطی: پدیده دولت کارآفرین با تاکید بر سیاست های نوآوری و فناوری در شرایط محیطی خاص حاصل می آید و شرایط محیطی برخلاف ویژگی های زمینه ای، تأثیر با واسطه بر پدیده اصلی از طریق راهبردها دارد. شرایط مداخله گر محیطی در تحقیق حاضر از پنج مقوله اصلی: ۱ تمرکز زدایی: با مقوله های فرعی "تفویض اختیارات سازمانی، احترام به گفتمان های کارآفرینانه، بهادادن به بخش خصوصی، عدم دخالت دولت در همه امور، ایجاد شرایط مسئولیت پذیری عملیاتی و شکل گیری واحدهای کارآفرینانه"؛^۲ ساختار سازی مناسب: با مقوله های فرعی "طراحی تشکیلات سازمانی متناسب با مأموریت های نوین، ایجاد ساختارهای توانمند ساز و هوشیار، توسعه فعالیت ها، احساسات و تعاملات غیررسمی، شکل گیری ارتباطات بین المللی و الگوپذیری از کشورهای توسعه یافته"؛^۳ آیین نامه های کار آفرینانه: با مقوله های فرعی "برون سپاری و استفاده از نهادهای کارآفرین، تشویق ایده های نوآور و کارآفرین بر اساس موازین رسمی، ایجاد باورها و عادات صحیح کارآفرینانه گرا، نهادینه سازی فعالیت های داوطلبانه و کارآفرینانه و ترویج و حمایت از رفتارهای معقول و منطقی کارآفرینانه"؛^۴ ارزش های مشترک: با مقوله های فرعی "یکپارچه نگری در طراحی برنامه ها و فعالیت ها، ترویج فرهنگ آزمون و خطا و کسب تجربه، ایجاد فضای کسب و کارانه آموزشی، همنوایی و یکپارچگی در اتخاذ تصمیم و اجرای تصمیمات کارآفرینی، مشارکت و همدلی در انجام فعالیت ها"؛^۵ و

پیامدها را تسهیل می نمایند. در این پژوهش نیز چهار دسته راهبرد اساسی برای انجام مداخله شناسایی شد. ۱ رهبری و پیش کارآفرینی: با مقوله های فرعی "تشویق و ترغیب ایده پردازی و ایده یابی کاربردی در حل مسائل اجتماعی، انعطاف پذیری در پذیرش رویکردهای نوین اجرایی و آموزشی، بکارگیری مدیران با عملکرد مدیریت در شرایط پیچیده و غیرقابل پیش بینی، سبک رهبری کارآفرینی گرا و خلاقیت محور و راه اندازی کرسی های آزاد اندیشی جهت توسعه ایده های نو و پاسخگو بودن"؛^۲ برنامه ریزی آینده نگر: با مقوله های فرعی "برنامه ریزی بر اساس سطوح کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، تدوین رسالت و چشم اندازها بر پایه تجربه های نوپدید، تدوین مأموریت و اهداف مبتنی بر رسالت ها و چشم اندازهای جدید، پرورش مهارت های تفکر خلاق و نوآورانه، چشم انداز بر اساس مشارکت و موافقت ذینفعان و تدوین سند کارآفرینی"؛^۳ بسته های حمایتی: با مقوله های فرعی "تدارک پشتیبانی های اجرایی، توانمندسازی نیروی انسانی جهت راه اندازی کارآفرینی، ایجاد نوآوری در سبک رفتارهای کارکنان سازمان ها، ایجاد و راه اندازی پایگاه اطلاعاتی و داده یابی، تسهیل در انجام تعاملات میان فردی، بهره گیری از فناوری و نظم بخشی دیجیتال"؛^۴ ارتباط با جامعه و کارآفرینان: با مقوله های فرعی "ارتباط با صنعت، ارتباط با کارآفرینان برتر و الگو برداری، حمایت اطلاعاتی و مشاوره ای و مالی از کارآفرینان، ارائه خدمات و مشاوره در زمینه کارآفرینی اجتماعی، ایجاد شبکه های کارآفرینی اجتماعی، بکارگیری امکانات و فناوری های نوین، ایجاد شرایط آسان دسترسی به فناوری و استفاده از شرای و پتانسیل فضای مجازی".

ویژگی های زمینه ای: ویژگی های زمینه ای به عوامل همبافت و بی واسطه مؤثر در فرایند دولت کارآفرین با تاکید بر سیاست های نوآوری و فناوری دلالت دارد. در واقع ایجاد هر نوع تغییر در عوامل زمینه ای تأثیر مستقیم خود را در پدیده اصلی، راهبردها و پیامدها نشان خواهد داد. در مطالعه حاضر ویژگی های زمینه ای در قالب شش مقوله اصلی: ۱ راهبردهای دولت کارآفرین: با مقوله های فرعی "کوچک سازی دولت، چابک سازی دولت، برنامه ریزی آینده نگر، ایجاد نهادهای کارآفرینی در سازمان ها، قراردادهای اقتصادی با سایر نهادهای موسسات، حکمرانی خوب، ادغام منابع انسانی و فیزیکی، اصلاح شیوه نامه ها و مقررات، قوانین تسهیل گر، تمرکز زدایی، تامین منابع مالی و سرمایه گذاری متنوع"؛^۲ محیط سازمانی کارآفرین: با مقوله های فرعی "محیط کارآفرین و ارتباط با آن، چابک سازی دولت در جهت نوآوری و همگام سازی با پیشرفت

گروهی نقش های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی افراد، کمک به یادگیری مهارت های زندگی شهروندی، توسعه فرهنگ ارائه خدمات فردی و تیمی اجتماعی به همدیگر، کسب مهارت های کار و زندگی سطح بالا، تصویب قوانین عادلانه، توجه به مشتری و مشتری مداری؛ و ۳ تجاری سازی دانش: با مقوله های فرعی "تولید علم و ایجاد شرکت های دانش بنیان، رشد سطح فناوری ها، رشد سطح تعاملات شرکت های مستقر در پارک علم و فناوری، تبدیل دانش آموختگان به نیروی کار و سرمایه، ایجاد انگیزه و امنیت در حوزه کارآفرینی، رفع بیکاری و اشتغالی".

۵ مواضع قانونی و حقوقی: با مقوله های فرعی "قوانین و مقررات عادلانه و تسهیل کننده، ساز و کارهای کنترل و نظارتی، ارتقای کیفیت قوانین، حذف بروکراسی اداری و دست پا گیر، تدوین قوانین منعطف" تشکیل شده است. پیامدها: اگر عوامل و شرایط ذکر شده در مدل بخوبی اجرا شود، انتظار است که برون دادها و نتایجی در سه دسته کلی ذیل حاصل آید. ۱ بین المللی شدن: با مقوله های فرعی "ارتباط با مجامع بین المللی، الگو برداری از سازمان های بین المللی کارآفرین و نوآور موفق و توجه به بین المللی بودن مبحث کارآفرینی نوآورانه؛" ۲ توسعه جامعه مدنی: با مقوله های فرعی "کمک به ارتقای سطح زندگی افراد جامعه، توسعه



شکل ۱: مدل پارادایمی عوامل موثر بر دولت کارآفرین

آزمون کلموگروف اسمیرنوف (KS) استفاده گردید. اگر آماره آزمون بزرگتر مساوی ۰/۰۵ بدست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت.

سوال دوم: میزان اعتبار مدل ارائه شده برای عوامل موثر بر دولت کارآفرین در چه حدی است؟ بررسی نرمال بودن داده در ابتدا به بررسی نرمال بودن داده های جمع آوری شده پرداخته می شود. جهت بررسی نرمال بودن داده ها از روش

جدول ۳: نتایج آزمون نرمال بودن توزیع داده ها

ابعاد تحقیق		آماره	معنی داری	نتیجه
دولت کارآفرین		۱ / ۲۷۱	۰ / ۰۷۹	نرمال است
<p>با توجه به نتایج جدول ۴، به این دلیل که مقادیر سطح معناداری تمامی متغیرهای مدل بالاتر از مقدار خطای ۰/۰۵ است، در نتیجه متغیرهای ذکر شده دارای توزیع نرمال می-باشند.</p>				

تعیین شاخص‌های برازش مدل

جدول ۴: برازش متغیرهای مدل

شاخص بررسی شده	میزان استاندارد	نماد لاتین	تخمین مدل	در
شاخص برازش هنجار شده	بزرگتر از ۰/۹	NFI	۰/۹۲	
برازش هنجار نشده	بزرگتر از ۰/۹	NNFI	۰/۹۴	
شاخص برازش تطبیقی	بزرگتر از ۰/۹	CFI	۰/۹۵	
شاخص برازش افزایشی	بزرگتر از ۰/۹	IFI	۰/۹۵	
ریشه میانگین باقی مانده ها	کوچکتر از ۰/۰۵	RMR	۰/۰۹۶	
نیکویی برازش	بزرگتر از ۰/۸	GFI	۰/۸۸	
نیکویی برازش تعدیل شده	بزرگتر از ۰/۸	AGFI	۰/۸۴	

شاخص برازش افزایشی (IFI) دارای برازش مناسب می‌باشد.

تحلیل عاملی اکتشافی جهت شناسایی عوامل

در ابتدا، با استفاده از آزمون KMO می‌توان از کفایت نمونه-گیری اطمینان حاصل نمود. این شاخص در دامنه صفر تا یک قرار دارد. اگر مقدار شاخص نزدیک به یک باشد، داده‌های مورد نظر چندان مناسب نمی‌باشد. در صورتی که مقدار KMO کمتر از ۰/۵۰ باشد داده ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۹ باشد می‌توان با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت ولی در صورتی که مقدار آن بزرگتر از ۰/۷۰ باشد همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. با توجه به اینکه شاخص KMO بالاتر از ۰/۷ می‌باشد، تحلیل عاملی در حد مناسب ارزیابی می‌گردد.

از میان شاخص‌های برازندگی به گونه کلی RMSEA به عنوان بهترین شاخص در نظر گرفته می‌شود. شاخص‌های برازندگی به گونه کلی در دامنه بین صفر و یک قرار داده می‌شود. ضرابی که بالاتر از ۰/۹۰ باشد قابل قبول در نظر گرفته می‌شود، هر چند این نیز مانند سطح، $P = 0.05$ ، اختیاری است.

وقتی یک مدل از پشتوانه نظری مناسبی برخوردار باشد در مرحله بعد نوبت به آن می‌رسد که تناسب این مدل با داده‌هایی که محقق جمع‌آوری کرده است بررسی گردد از این رو برخی از آزمون‌های نیکویی برازش که در فصل سوم راجع به آنها بحث شده بود در اینجا برای داده‌های این تحقیق و مدل استفاده شده انجام و تناسب آن بررسی مورد بررسی قرار گرفته است. همان‌طور که در جدول برازش مشاهده می‌شود شاخص برازش هنجار شده (NFI)، برازش هنجار نشده (NNFI) دارای برازش برابر می‌باشد، شاخص برازش تطبیقی (CFI) و

جدول ۵: آزمون بارتلت و آزمون KMO

۰/۸۸۱	آزمون کیزر-مایر-اولکین	
۵/۹۶۲	خی دو	
۴۶۵	درجه آزادی	آزمون بارتلت
۰/۰۰۰	سطح معنی دار (Sig)	

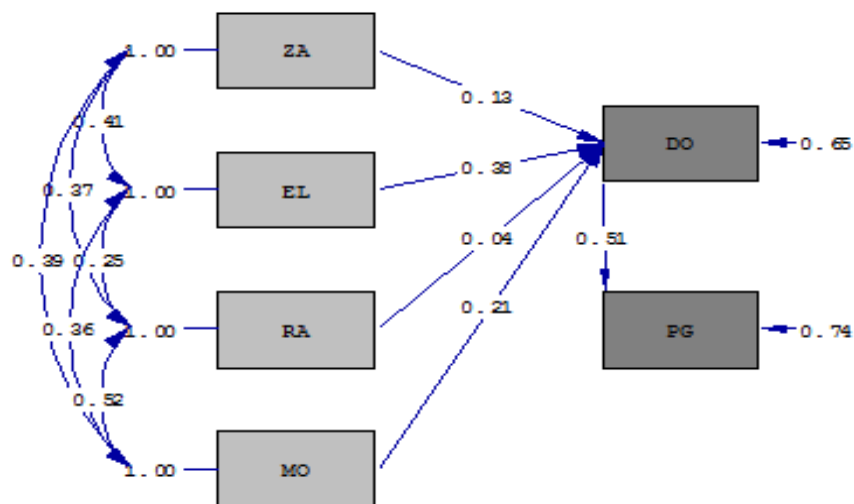
در جداول زیر، نتایج حاصل از آزمون کیزر-مایر-اولکین و آزمون بارتلت هر یک از شاخص‌های تحقیق ارائه شده است.

جدول ۶: آزمون بارتلت و آزمون KMO شاخص دولت کارآفرین

۰/۷۹۱	آزمون کیزر-مایر-اولکین	
۱/۲۰۲	خی دو	
۲۸	درجه آزادی	آزمون بارتلت
۰/۰۰۰	سطح معنی دار (Sig)	

با توجه به جداول انجام تکنیک تحلیل عاملی برای هر شاخص تحقیق امکان پذیر می‌باشد. ($kmo > 0/5$).

برآورد مدل تحقیق



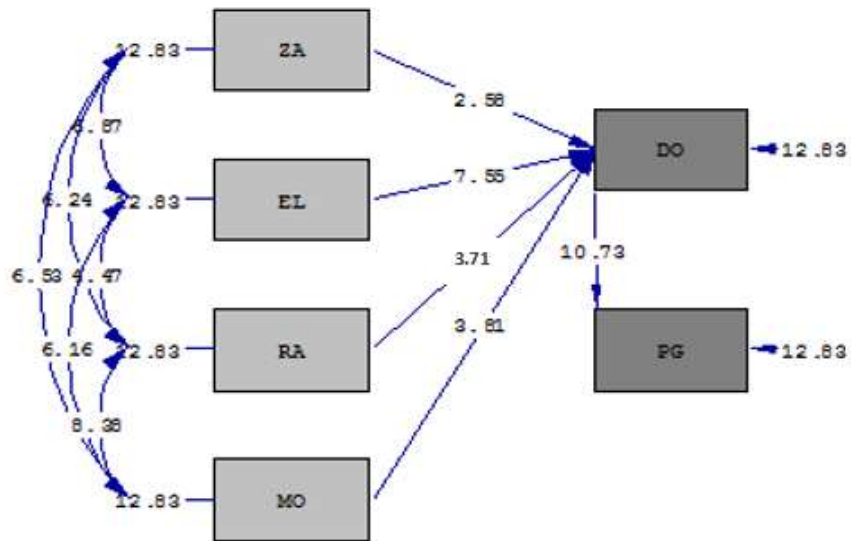
شکل ۲: مدل ضرایب استاندارد با استفاده از ضرایب تحلیل مسیر در لیزرل

نمودار ۲ مدل ضرایب استاندارد شده با استفاده از روش تحلیل مسیر به کمک نرم افزار لیزرل می‌باشد. همانطور که در نمودار می‌بینیم در این مدل ۴ متغیر برونزا یا تاثیرگذار داریم که شامل متغیرهای عوامل زمینه ای (ZA)، عوامل علی (EL)، راهبردها (RA) و شرایط مداخله گر (MO) می‌باشند که به عنوان متغیرهای برونزا بر متغیرهای درونزا که دولت کارآفرینی (DO)، جهانی سازی (PG)، تاثیر می‌گذارند. ضرایب مسیر بدست آمده بین متغیرهای برونزا و متغیر درونزا همگی کمتر از یک می‌باشد و این نشان دهنده استاندارد بودن مدل می‌باشد. در این قسمت به بررسی معنادار بودن اعداد به دست آمده مدل پرداخته شده است؛ در رابطه با معنی‌داری اعداد، باید گفت از آنجایی که در این تحقیق در سطح اطمینان ۰/۹۵ یا خطای

۰/۰۵ به دنبال آزمون فرضیات بودیم، برای آزمون t اعدادی معنادار خواهند بود که بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و ۱/۹۶+ باشند. به این معنی که اگر در آزمون t عددی بین ۱/۹۶ و ۱/۹۶+ باشد، بی‌معنا خواهد بود. در مدل زیر (نمودار ۴۳) اعداد بدست آمده برای آزمون t معنادار هستند و می‌توان به بررسی روابط علی (شاخص‌های اندازه‌گیری با متغیر مکنون) و اثرات (متغیرهای مکنون با هم) با توجه به موارد ذکر شده در جداول و نمودارهای بالا، مدل از نظر شاخص‌های تناسب در وضعیت مناسبی قرار داشته‌اند. ماتریس لامبدا یکی از چهار ماتریس مهم معادلات ساختاری است که برای برقراری رابطه میان متغیرهای مکنون درون زا و مشاهده گر (سوال)های مربوط به آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. ماتریس لامبدا X یکی از چهار ماتریس مهم

قرار می‌گیرد. ماتریس گاما برای برقراری رابطه میان متغیرهای مکنون برونزا و درونزا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

معادلات ساختاری است که برای برقراری رابطه میان متغیرهای مکنون برونزا و مشاهده گرهای مربوط به آن مورد استفاده



شکل ۳: مدل ضرایب T تحقیق آزمون تحلیلی مسیر با استفاده از نرم افزار لیزرل

همزمان در نظر گرفته شود. خطای اندازه گیری در نمودار ۳ ناشی از عوامل زیر بوده است: الف) متغیر آشکار که متغیر پنهان دیگری را اندازه گیری می‌کند. ب) عدم وجود قابلیت اعتماد. ج) وجود یک عامل در مرتبه بالاتر.

همانگونه که در نمودار ۳ دیده می‌شود متغیرهایی که در مدل تعریف شده اند در یک معادله متغیر مستقل هستند در معادله های دیگر وابسته می‌باشند و این مطلب یک به هم پیوستگی و در هم تنیدگی در شکل معادلات به وجود آورده است. از این رو می‌بایست تمام این معادلات با هم به طور

جدول ۷: خلاصه نتایج آزمون

نتیجه	ضریب مسیر	ضریب تی	متغیر مکنون درونزا (Y)	متغیر مکنون برونزا (X)
تایید	۰/۱۳	۲/۵۸	مقوله محوری دولت کارآفرین	عوامل زمینه ای
تایید	۰/۳۸	۷/۵۵	مقوله محوری دولت کارآفرین	عوامل علی
تایید	۰/۰۴	۳/۷۱	مقوله محوری دولت کارآفرین	راهبردها
تایید	۰/۲۱	۳/۸۱	مقوله محوری دولت کارآفرین	شرایط مداخله گر
تایید	۰/۵۱	۱۰/۷۳	عملکرد دولت	مقوله محوری دولت کارآفرین

است. در این نمودار (نمودار ۳) ضرایب بین متغیرهای مکنون نشان دهنده معناداری یا عدم معناداری فرضیات می باشد. مدل در حالت ضرایب T یا حالت معناداری مقادیر آماره T را نشان می دهد که برای قضاوت در مورد معناداری روابط به کار می‌روند. در واقع فرضیاتی (متغیرها) که دارای ضرایب بالاتر از ۱/۹۶ می‌باشد تایید شده‌اند و فرضیاتی که دارای ضرایبی کمتر از ۱/۹۶ می‌باشند رد شده‌اند. همان طور که در نمودار ۳ نشان داده شده است همه فرضیات دارای ضرایب یا شدتی بالاتر از ۱/۹۶ هستند بنابراین تمام فرضیات تایید شده‌اند. مدل در حالت تخمین ضرایب استاندارد مدل ضرایب همگن شده هستند؛ یعنی مقیاس آن‌ها یکی شده است و امکان مقایسه بین آن‌ها وجود

مدل معادله ساختاری روابط مشخص میان متغیرهای پنهان را نشان می‌دهد. به بیان دیگر مدل معادله ساختاری می‌تواند برای تعیین حد روابط از پیش فرض شده به وسیله داده های واریانس و کواریانس نمونه‌ای حمایت شوند، تدوین و آزمون می‌شود. روابط بین متغیرها به کمک معادلات ساختاری نشان داده شده است. در این معادله ضرایب ساختاری برای نشان دادن شدت (معناداری آماری) و جهت (مثبت یا منفی) رابطه تعریف می‌شوند. علاوه براین هر معادله ساختاری شامل جمله مزاحم یا همان خطای اندازه گیری است. خطای اندازه گیری سهمی از متغیر وابسته پنهان را نشان می‌دهد که به وسیله متغیر مستقل پنهان در معادله تبیین یا پیش بینی نشده

فناوری از کشورهای توسعه یافته تقلید می‌شوند، با سطوح محلی و منطقه‌ای اقتصادهای نوسانی در حال توسعه بطور کامل همخوانی ندارند و بنابراین برای اکثر زمینه‌ها ناکافی هستند (Francis, Edinger & Becker, 2005). یک سیاست نوآوری ممکن است بعنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌های دولتی تبدیل به طرح‌ها، برنامه‌ها، پروژه‌ها یا اقداماتی با هدف تقویت نوآوری در نظر گرفته شود (Liu et al., 2017). با توجه به اینکه چنین سیاست‌هایی مستقیماً بر کسب‌وکارهای موجود تأثیر گذارند و پتانسیل مشارکت در ایجاد کسب‌وکارهای جدید را دارند، باید با سیاست‌های کارآفرینی ادغام شوند (Liu et al., 2017) که به نوبه خود موجب تقویت ایجاد مشاغل جدید و/یا تقویت مشاغل موجود می‌شوند (Mirzanti, Simatupang & Larso, 2015; Qian & Haynes, 2014). اهداف و معیارهای یک سیاست عمومی درباره نوآوری و فناوری باید با مخاطب هدف آن، همسو باشد (Meyers & Nielsen, 2012).

تمرکز بیش از حد بر فناوری منجر به اجرای سیاست‌هایی می‌شود که توجه کمی به صنایع با فناوری پایین و متوسط دارند (Geels, 2012). مشکل این است که تنها درصد کمی از کسب و کارهای موجود، شرکت‌های با فناوری پیشرفته و فعال در تحقیق و توسعه هستند (Wang & Refiq, 2014). این بدان معناست که اجرای سیاست‌های عمومی در حوزه نوآوری توسط دولت‌ها با اکثر کسب‌وکارهای کوچک همخوانی چندانی ندارد و در عین حال، شرکت‌ها را با زمینه‌ها و ویژگی‌های نوآوری متفاوت در گروه یکسانی قرار داده‌اند که این امر برای همه مضر است (Dolfsma & Seo, 2013).

عموماً سیاست‌های دولتی نقش و تأثیر نوآوری را نادیده می‌گیرند؛ زیرا بیشتر سیاست‌گذاران آگاهی و دانش محدودی درباره نوآوری و کارآفرینی دارند (Audretsch & Link, 2012). هر سیاست عمومی براساس تئوری‌های اقتصادی با دیدگاه‌های متفاوت و گاهی متضاد درخصوص چگونگی ارتقای توسعه یک کشور تدوین می‌شود و موضع سیاست درقبال نوآوری و کارآفرینی بطور قابل توجهی بین این نظریه‌های اقتصادی متفاوت است (Audretsch & Link, 2012). برای مثال، سیاست‌های نوآوری در اقتصادهای کلاسیک و کینزی، سیاست‌های کلی هستند. در اقتصاد کلاسیک، تمرکز بر کارایی بازار از نظر تولید و تخصیص منابع است و در اقتصاد کینزی، نقش فعال دولت در جنبه‌های مالی و پولی با هدف تثبیت اقتصاد اهمیت دارد (Audretsch & Link, 2012). از سوی دیگر، مفهوم رشد و توسعه در اقتصاد شومپیتری بشدت با اقتصاد مبتنی بر نوآوری و کارآفرینی مرتبط

دارد. در حالتی که این مقدار بین متغیرهای مکنون و آشکار مربوط به آن در نظر گرفته شود، برابر با همان ضرایب همبستگی یا بارهای عاملی هستند. و اگر بین دو متغیر در نظر گرفته شوند، همان ضرایب مسیر یا بتاهای استاندارد شده رگرسیونی هستند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که در مدل پارادایمی طراحی شده، حوزه موجبات علی دولت کارآفرین با تأکید بر سیاست‌های نوآوری و فناوری شامل سه مقوله اصلی و قابل توجه: ۱ نیازها و تقاضای جدید ۲ کارآفرین‌گرایی ۳ ارتقای کیفیت زندگی است. در بعد پدیده محوری چهار مقوله اصلی: ۱ سیاست‌های کارآفرینانه ۲ فرهنگ کارآفرینی ۳ ساختار سازمانی و ۴ آموزش و پژوهش استخراج شد. همچنین چهار دسته راهبرد اساسی: ۱ رهبری و بینش کارآفرینی ۲ برنامه ریزی آینده نگر ۳ بسته‌های حمایتی و ۴ ارتباط با جامعه و کارآفرینان برای انجام مداخله شناسایی شد. ویژگی‌های زمینه‌ای در قالب شش مقوله اصلی: ۱ راهبردهای دولت کارآفرین ۲ محیط سازمانی کارآفرینی ۳ رسمی سازی ۴ رویه‌های کارآفرینی ۵ سرمایه‌گذاری مادی و معنوی و ۶ استعدادها بالقوه بررسی شد. شرایط مداخله گر محیطی هم متشکل از پنج مقوله اصلی: ۱ تمرکز زدایی ۲ ساختارسازی مناسب ۳ آیین نامه‌های کارآفرینانه ۴ ارزش‌های مشترک و ۵ مواضع قانونی و حقوقی بر پدیده محوری تأثیر گذار است. در نهایت نیز پیامدها و بازتاب‌ها در سه دسته کلی: ۱ بین‌المللی شدن ۲ توسعه جامعه مدنی و ۳ تجاری سازی دانش قرار می‌گیرند.

در راستای تبیین یافته‌های این پژوهش، سیاست نوآوری و فناوری باید بر توسعه محلی و منطقه‌ای تمرکز کند (Audretsch & Link, 2012; Henrekson, 2014; Mirzanti, Simatupang & Larso, 2015; Roper, Love & Bonner, 2017). چراکه هر منطقه ویژگی‌ها و خواسته‌های متفاوتی دارد (Qian, Acs & Stough, 2013; Qian & Haynes, 2014; Squicciarini, 2017). علاوه بر این، پیدایش یک کشور قدرتمند مشتمل بر فرایند ایجاد توسعه اجتماعی اقتصادی مستحکم در سراسر مناطق آن سرزمین است، به طوری که حتی هیچ جزیره کوچکی از ثروت و فقر بیش از حد بهره‌مند و پراکنده نباشد (Francis, Edinger & Becker, 2005).

با این حال، از آنجایی که بسیاری از سیاست‌های نوآوری و

پیشنهادات نظری:

تدوین سند راهبردی دولت کارآفرین با تاکید بر سیاست های نوآوری و فناوری.
انجام مطالعات تطبیقی با تمرکز بر کشورهای موفق.
پیش‌بینی گروه‌های مشورتی درخصوص اجرای مدل نهایی.
جبر اصلاح شده را هر پنج سال یکبار ارزیابی کنید تا آن را به روز نمایید.

پیشنهادات کاربردی:

برگزاری کارگاه ها و دوره های آموزشی برای آشنایی با دولت کارآفرین مبتنی بر سیاست های نوآوری و فناوری، برگزاری کارگاه های آموزشی برای ارتقای فرهنگ و دانش مرتبط با دولت کارآفرین و ایجاد آمادگی های لازم برای طراحی و اجرای آن، ایجاد و ساماندهی مرکز سنجش و ارزیابی نیروی انسانی براساس ابعاد، مولفه ها و شاخص های دولت کارآفرین مبتنی بر سیاست های نوآوری و فناوری. یافته های این پژوهش می تواند مبنای مناسبی برای ارزیابی و سنجش دولت کارآفرین باشد.

الف. محدودیت در اختیار محقق:

محدودیت مکانی یکی از محدودیت‌های مهم تحقیق حاضر بوده، یعنی اینکه پژوهش مختص سازمان های دولتی در شهر تهران بوده و برای تعمیم به سازمان‌های دیگر باید احتیاط نمود. محدودیت زمانی یکی دیگر از محدودیت‌های تحقیق حاضر بوده، یعنی اینکه پژوهش مختص زمان انجام پژوهش بوده و برای تعمیم به سال‌های آینده باید احتیاط نمود. از جمله محدودیت‌های دیگر این تحقیق؛ محدود بودن جامعه آماری تحقیق است. بطوریکه تحقیق مربوط به سازمان های دولتی همراه با کارآفرینی بوده و برای تعمیم دادن به سازمان‌های دیگر باید احتیاط نمود.

ب. محدودیت خارج از اختیار محقق:

سهام منحصر به فرد دیگر تحقیق حاضر تا جاییکه که ما می‌دانیم، به این صورت می‌باشد که هیچ کدام از مطالعات قبلی در راستای طراحی الگوی دولت کارآفرین نمی‌باشد و در مدل‌های اخیر در رابطه با نقش کارآفرینی در سازمان های دولتی نیز بررسی نشده است (یا گاهی نادیده گرفته شدند).

است که کارآفرین را عامل اصلی نوآوری می‌داند (Audretsch & Link, 2012).

در نهایت، سیاست های عمومی نوآوری و فناوری برای کسب و کارهای کوچک باید ویژگی های نوآوری چنین مشاغلی را مدنظر قرار دهند (Meyers & Nielsen, 2012). از آنجایی که توسعه نوآورانه بخشی از امور روزمره کسب و کارهای کوچک است، بیشتر نوآوری ها در چنین شرایطی براساس چشم اندازهای خود شرکت خلق می شوند (Gonçalves Silveira Fiates et al., 2010). بنابراین، بخش تحقیق و توسعه یا شاخص‌های مالی بتهای فعالیت‌های نوآورانه معمولی کسب و کارهای کوچک را منعکس نمی‌کند (Miles, 2007).

همچنین، سیاست گذاران باید سیاست های عمومی نوآوری و فناوری را با معیارهای مناسب برای کسب و کارهای کوچک، مانند نوآوری های خدماتی، فرایندی، سازمانی، بازار، توسعه محلی مناطق و رفاه مدنظر قرار دهند (Meyers & Mirzanti, Simatupang & Nielsen, 2012; Larso, 2015). شاخص روایی محتوا، از این شاخص جهت محاسبه سه معیار "سادگی و روان بودن"، "مربوط بودن" و "وضوح یا شفاف بودن" از طیف لیکرت ۴ قسمتی به شکل زیر استفاده شد: معیار سادگی و روان بودن: پیچیده است، نیاز به بازبینی جدی دارد، ساده است اما نیاز به بازبینی دارد، کاملاً ساده است؛ معیار مربوط بودن: ۱. اصلاً مرتبط نیست؛ ۲. تا حدودی مرتبط است؛ ۳. نسبتاً مرتبط است؛ ۴. کاملاً مرتبط است. معیار وضوح و شفاف بودن: ۱. مبهم است، نیاز به بازبینی جدی دارد، واضح است اما نیاز به بازبینی دارد، کاملاً واضح است. در صورتی که تعداد متخصصین در این قسمت ۱۵ نفر باشد بر اساس دستورالعمل Lynn گویه های با امتیاز بیش از ۰/۷۹ در پرسشنامه باقی ماند. سوالاتی که نمره CVI آنها بین ۰/۷۰ - ۰/۷۹ بود اصلاح و بازنگری نیاز داشتند و سوالاتی که نمره CVI آنها کمتر از ۰/۷۰ بود عبارت مورد نظر غیرقابل قبول بوده و حذف شده اند.

مطابق یافته‌های کیفی تحقیق، مولفه‌ها مشخص شد و همچنین مطابق یافته‌های کمی نتایج نشان داد که شرایط علی، زمینه ای، راهبردها، و شرایط مداخله گر تاثیر مثبت و معناداری بر مقوله محوری دولت کارآفرین دارد. همچنین دولت کارآفرین به عنوان مقوله محوری، تاثیر مثبت و معناداری بر پیامدها از جمله جهانی شدن دارد. با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر و مقادیر آزمون تحلیل عاملی، تحلیل مسیر و سطح معناداری می‌توان بیان کرد که تمام متغیرهای در نظر گرفته شده، شاخص دولت کارآفرین را می‌سنجد.

- Chaminade, C., Lundvall, B. A. (2019). Science, Technology, and Innovation Policy: Old Patterns and New Challenges. OXFORD Technology and Innovation Management.
- Chen, J., Chen. L., Chen. J., Xie. K. (2018). Mechanism and policy combination of technical sustainable entrepreneurship crowdfunding in China: A system dynamics analysis. Journal of Cleaner Production. 177,610-620.
- Colombelli, A. (2015). Top management team characteristics and firm growth: Evidence from a sample of listed companies. International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research. 45,88-102.
- Dolfsma, W., Seo, D. (2013). Government policy and technological innovation—a suggested typology. Technovation, 33(6-7), 173-179.
- Dosi, G., Lamperti. F., Mazzucato, M., Napoletano, M., Roventini. A. (2021). Mission-Oriented Policies and the “Entrepreneurial State” at Work: An Agent-Based Exploration. Sciences Po OFCE Working Paper. No.14. Downloaded from URL: <http://www.ofce.sciences-po.fr/pdf/dtravail/WP2021-14.pdf>.
- Fadaei Keivani, R., Alavi Salkoye, R. (2017). Entrepreneurial Organizations and Entrepreneurial Government. The Fourth International Conference on Management, Entrepreneurship and Economic Development, Takestan, Iran. (In Persian)
- Francis, G., Edinger, R., Becker, K. (2005). A concept for simultaneous wasteland reclamation, fuel production, and socio-economic development in degraded areas in India: Need, potential and perspectives of Jatropha plantations. In Natural resources forum (Vol. 29, No. 1, pp. 12-24). Oxford, UK: Blackwell Publishing, Ltd..
- Freel, M.S., Robson, P.J.A. (2004). Small Firm Innovation, Growth and Performance: Evidence from Scotland and Northern England. International Small Business Journal. 6, 561-575.
- Fuladi, M., Zanganeh, A. (2015). Innovation policies of financing for the development of entrepreneurship, comparing

این مطالعه نمونه‌گیری خوشه‌ای از مدیران و کارشناسان انجام داده است. با این حال، بیشتر پاسخ دهندگان که با دولت کارآفرین آشنایی و تخصص دارند نظرسنجی نشده‌اند. محدودیت در اجرای پرسشنامه‌ها از نظر عدم اعمال دقت کافی در پاسخ دادن به سؤالات و سوگیری‌هایی که ممکن است برخی از اعضای نمونه در پاسخ به برخی از سؤالات داشته باشند از محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر می‌باشد.

فهرست منابع

- Ahlstrom, D., X. Yang. L., Wang. Ch. Wu. L. (2018). A global perspective of entrepreneurship and innovation in China. Multinational Business Review. 4, 302-318.
- Amit, R., & Zott, C. (2012). Creating value through business model innovation. MIT Sloan management review.
- Beck, T., Demircuc-Kunt, A. (2006). Small and medium-size enterprises: Access to finance as a growth constraint. Journal of Banking & finance, 30(11), 2931-2943.
- Berger, A.N., Udell, G.F. (2002). Small business credit availability and relationship lending: the importance of bank organisational structure. The Economic Journal, 112: F32-F53. <https://doi.org/10.1111/1468-0297.00682>
- Bertonia, F. Martib. J., Revertec. C. (2019). The impact of government-supported participative loans on the growth of entrepreneurial ventures. Research Policy. 48(1),371-384.
- Block, F.L., Keller, M. R. (2011). State of Innovation: The U.S. Government's Role in Technology Development. Boulder, CO: Paradigm Publishers.
- Bosma, N., Content. J., Sanders. M., Stam. E. (2018). Institutions, entrepreneurship, and economic growth in Europe. Small Bus Econ. 51,483-499.
- Buffart, M., Croidieu, G., Kim, P. H., Bowman, R. (2020). Even winners need to learn: How government entrepreneurship programs can support innovative ventures. Research Policy, 49(10), 104052.
- Chabaud, D., Messeghem, K. (2014). Les ETI: un nouvel objet de recherche. Revue française de gestion, (7), 95-110.

- overcome the middle income trap?. *Science and Public Policy*, 44(5), 656-669.
- Malik, T.H., Huo, C.H. (2019). Entrepreneurial state vs liberal Market: Chinese comparative advantage in the transformation of national science to technology artefacts. *Chinese Management Studies*. 3(13),550-573.
- Mason, C., Brown, R. (2013). Creating good public policy to support high-growth firms. *Small business economics*, 40, 211-225.
- Mazzucato, M. (2016). From market fixing to market-creating: a new framework for innovation policy. *Industry and Innovation*. 23(2),140–156.
- Meyers, M. K., Nielsen, V. L. (2012). Street-level bureaucrats and the implementation of public policy. *The SAGE handbook of public administration*, 305-318.
- Miles, I. (2007). Research and development (R&D) beyond manufacturing: the strange case of services R&D. *R&D Management*, 37(3), 249-268.
- Mirian Aghdam, S.M., Ghods, Y., Rezaei, H. (2017). Entrepreneurial government, the second international conference on management and business, Tabriz, Iran. (In Persian)
- Mirzanti, I.R., Simatupang, T.M., Larso, D. (2015). Mapping on entrepreneurship policy in Indonesia. *Procedia-Social & Behavioral Sciences*. 169, 346-353.
- Moro, A., Maresch, D., Fink, M., Ferrando, A., Piga, C. (2020). Spillover effects of government initiatives fostering entrepreneurship on the access to bank credit for entrepreneurial firms in Europe. *Journal of Corporate Finance*, 62, 101603.
- Nasiri Zang Abad, A., Rasouli, R., Alvedari, H., Mohammad Zadeh, A. (2016). Designing and Explaining Entrepreneurial Government Model for Public Organizations of Iran. *Quarterly Journal of Public Organizations Management*, 5(1), 91-106. (In Persian)
- North, D., Baldock, R. (2016). The role of UK Government Hybrid Venture Capital Funds in addressing the finance gap facing innovative SMEs. *International Singapore, Taiwan and Iran, the fourth national conference and the second international conference of new ideas in management and economics sciences*, Tehran, Iran. (In Persian)
- Geels, F. W. (2012). A socio-technical analysis of low-carbon transitions: introducing the multi-level perspective into transport studies. *Journal of transport geography*, 24, 471-482.
- Gonçalves Silveira Fiates, G., Azevedo Fiates, J. E., Ribeiro Serra, F. A., & Portugal Ferreira, M. (2010). Innovation environment in small technology-based companies. *Journal of technology management & innovation*, 5(3), 81-95.
- He, B., Wang, J., Wang, J., Wang, K. (2018). The Impact of Government Competition on Regional R&D Efficiency: Does Legal Environment Matter in China's Innovation System? *Sustainability*. 10,33-45.
- Henrekson, M. (2014). Entrepreneurship, innovation, and human flourishing. *Small Business Economics*. 43(3), 511-528.
- Johnson, M.W., Lafley, A.G. (2010). *Seizing the white space: Business model innovation for growth and renewal*. Harvard Business Press.
- Kaygusuz, K. (2012). Energy for sustainable development: A case of developing countries. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 16(2), 1116-1126.
- La Rocca, M., La Rocca, T., Cariola, A. (2011). Capital structure decisions during a firm's life cycle. *Small Business Economics*, 37, 107-130.
- Landoni, M.A., Ogilvie, D.T. (2019). Convergence of innovation policies in the European aerospace industry (1960-2000). *Technological Forecasting and Social Change*. 147,174-184.
- Lerner, J. (2010). The future of public efforts to boost entrepreneurship and venture capital. *Small Business Economics*, 35, 255-264.
- Li, L., Chen, J. Gao, H., Xie, L. (2018). The certification effect of government R&D subsidies on innovative entrepreneurial firms' access to bank finance: evidence from China. *Small Bus Econ*. 45,128-40.
- Liu, X., Schwaag Serger, S., Tagscherer, U., Chang, A. Y. (2017). Beyond catch-up—can a new innovation policy help China

- Roper, S. Love, J. H. Bonner, K. (2017). Firms' knowledge search and local knowledge externalities in innovation performance. *Research Policy*. No. 46(1): pp.43-56. Available online at: <https://doi.org/10.1016/j.respol.2016.10.004>
- Rostamkalaei, A., & Freel, M. (2016). The cost of growth: small firms and the pricing of bank loans. *Small Business Economics*, 46, 255-272.
- Schumpeter, J. A. (1934). *The Theory of Economic Development*. Cambridge, MA: Harvard University Press. 47-56.
- Schot, J., Steinmueller, W.E. (2018). Three frames for innovation policy: R&D, systems of innovation and transformative change. *Research policy*, 47(9), 1554-1567.
- Sergi, B.S., Popkova, E.G., Bogoviz, A.V., Ragulina, J.V. (2019). Entrepreneurship and Economic Growth: The Experience of Developed and Developing Countries. *Entrepreneurship and Development in The 21st Century*. Lab for Entrepreneurship and Development(LEAD). Chapter 1: pp. 3-32.
- Shane, S., Venkataraman, S. (2000). The Promise of Entrepreneurship As a Field of Research. *Academy of Management Review*. 25(1),217-226.
- Shin, T., Davison, M. L., Long, J. D. (2009). Effects of missing data methods in structural equation modeling with nonnormal longitudinal data. *Structural Equation Modeling: A Multidisciplinary Journal*, 16(1), 70-98.
- Steiner, A., Teasdale, S. (2016). The playground of the rich? Growing social business in the 21st century. *Social Enterprise Journal*. 12(2), 201-216.
- Strauss, A., Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Tate, P., Klein-Collins, R., Steinberg, K. (2011). Lifelong learning in the USA: A focus on innovation and efficiency for the 21st century learner. *International Journal of Continuing Education and Lifelong Learning*, 4(1), 1-23.
- Research Handbook on Entrepreneurial Finance, 125-146.
- OECD (The Organization for Economic Co-operation and Development). (2011). *OECD Science, Technology and Industry Scoreboard 2011: Innovation and growth in knowledge economies*. France: OECD.
- Pan, F., Yang, B. (2019). Financial development and the geographies of startup cities: evidence from China. *Small Business Economics*. 52,743-758.
- Peng, H., Liu, Y. (2018). How government subsidies promote the growth of entrepreneurial companies in clean energy industry: An empirical study in China. *Journal of Cleaner Production*. 188,508-520.
- Pradella, L. (2017). The Entrepreneurial State by Mariana Mazzucato: A critical engagement. *Competition & Change*. 21(1),61-69.
- Qian, H., Haynes, K. E. (2014). Beyond innovation: The small business innovation research program as entrepreneurship policy. *The Journal of Technology Transfer*. 39(4),524-543.
- Qian, H., Acs, Z.J., Stough, R.R. (2013). Regional systems of entrepreneurship: The nexus of human capital, knowledge and new firm formation. *Journal of Economic Geography*. 13(4),559-587.
- Ranjbar, R., Naderpoor, B., Hosseininia, G., Houshmandyar, N. (2019). Conceptual Modeling of the Entrepreneurial Government in Iran with the Qualitative Meta-Analysis Approach. *Quarterly Journal of Public Organizations Management*, 8(1), 33-50. doi: 10.30473/ipom.2019.48893.3817 (In Persian)
- Ravenhill, J. (2018). Entrepreneurial states: A conceptual overview. *International Journal*, 73(4), 501-517.
- Revest, V., & Sapio, A. (2012). Financing technology-based small firms in Europe: what do we know?. *Small Business Economics*, 39, 179-205.
- Rodrik, D. (2018). Understanding economic policy reform. In *Modern Political Economy and Latin America* (pp. 59-70). Routledge.

- Urbano, D., Aparicio, S., Audretsch, D.B. (2019). The Effect of Entrepreneurial Activity on Economic Growth. *International Studies in Entrepreneurship*. 41, 85-106.
- Uyarra, E., Ribeiro, B., Dale-Clough, L. (2019). Exploring the normative turn in regional innovation policy: responsibility and the quest for public value. *European Planning Studies*. 27(12),2359-2375.
- Venkataraman, S. (1994). Associate editor's note. *Journal of Business Venturing*. 9(1), 3-6.
- Wang, C. L., Rafiq, M. (2014). Ambidextrous organizational culture, Contextual ambidexterity and new product innovation: a comparative study of UK and Chinese high-tech Firms. *British Journal of management*. 25(1), 58-76.
- Wiklund, J., Shepherd, D. (2003), Knowledge-based resources, entrepreneurial orientation, and the performance of small and medium-sized businesses. *Strat. Mgmt. J.*, 24, 1307-1314. <https://doi.org/10.1002/smj.360>
- World Bank. (2005). *Economic Growth in the 1990s Learning from a Decade of Reform*. Washington D. C: The World Bank.
- Yigitcanlar, T., Sabatini-Marques, J., da-Costa, E. M., Kamruzzaman, M., Ioppolo, G. (2019). Stimulating technological innovation through incentives: Perceptions of Australian and Brazilian firms. *Technological Forecasting and Social Change*, 146, 403-412.
- Zamberi Ahmad, S. (2011). Evidence of the characteristics of women entrepreneurs in the Kingdom of Saudi Arabia: An empirical investigation. *International journal of gender and entrepreneurship*, 3(2), 123-143.
- Ziarnowicz, C. (1942). Joseph A. Schumpeter and innovation. *Socialism and Democracy*, 2(1), 2-4.